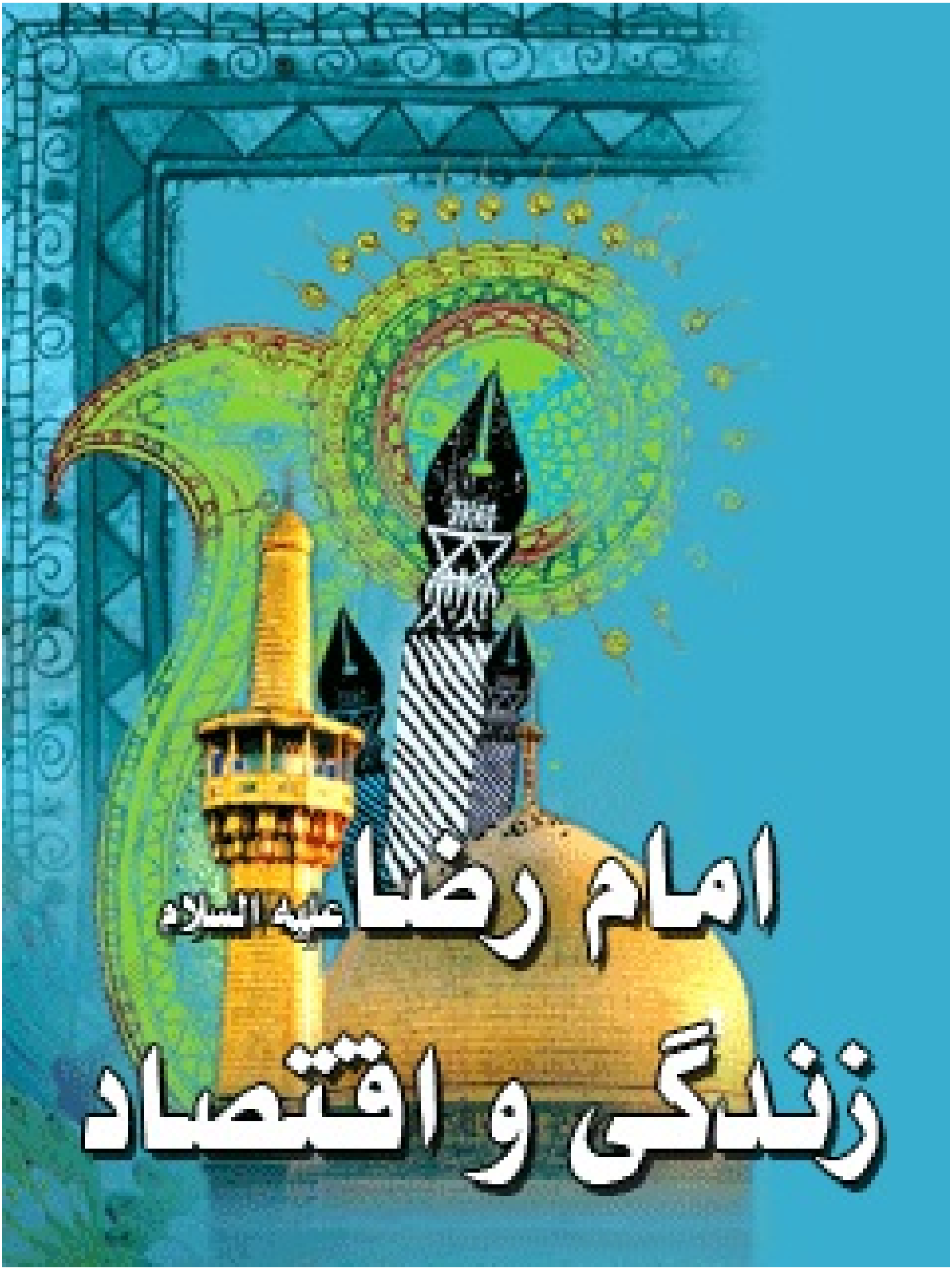
امام رضا علیه السلام
زندگی و اقتصاد

بسم الله الرحمن الرحيم

امام رضا (ع): زندگی و اقتصاد

نویسنده:

محمد حکیمی

ناشر چاپی:

آستان قدس رضوی، موسسه چاپ و انتشارات

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
امام رضا علیه السلام - زندگی و اقتصاد ----- ۹
مشخصات کتاب ----- ۹
پیشگفتار ----- ۹
اصل مالکیت ----- ۱۰
مالکیت حقیقی ----- ۱۰
مالکیت مجازی ----- ۱۱
مالکیت اجتماعی ----- ۱۱
مالکیت فردی ----- ۱۱
حدود و شرایط مالکیت ----- ۱۲
اصل محدودیت ----- ۱۲
اشاره ----- ۱۲
آزادی در مالکیت (لیبرالیسم اقتصادی) ----- ۱۲
محدودیت در مالکیت ----- ۱۳
محدودیت در راههای درآمد ----- ۱۳
محدودیت سود در داد و ستد ----- ۱۴
محدودیت در مصرف ----- ۱۵
تقدیر (اندازه‌داری) در زندگی ----- ۱۶
شکر (بهره‌برداری درست از نعمتها) ----- ۱۷
پدیده‌ی فقر ----- ۱۸
فقر، عامل مرگ و نابودی ----- ۱۸
فقر، عامل سلب شخصیت ----- ۱۹
فقر، کلید مشکلات اجتماعی ----- ۲۰

علل و عوامل فقر ----- ۲۰
ظلم ----- ۲۰
مدیریت غیر متخصص (ناواردان، کم‌فهمان) ----- ۲۰
فساد و تباهی اموال ----- ۲۱
حاکمیت معیارهای سرمایه‌داری ----- ۲۱
مدیریت خائن ----- ۲۲
مبارزه با فقر ----- ۲۳
تأمین نیازمندیها در طبیعت ----- ۲۳
مالیاتهای اسلامی (زکات) ----- ۲۴
حق معلوم ----- ۲۵
تأمین سطح زندگی ----- ۲۶
اشاره ----- ۲۶
نان و آب ----- ۲۶
گوشت ----- ۲۶
لباس ----- ۲۷
نظافت و بهداشت ----- ۲۷
تزیین و آرایش ----- ۲۸
عطر، بوی خوش ----- ۲۸
رابطه‌ی سطح زندگی و سطح درآمد ----- ۲۹
تأمین سالیانه ----- ۲۹
حرمت مال و رشد آن ----- ۲۹
کار و عمل ----- ۳۰
کار در قانون طبیعت و نظام آفرینش ----- ۳۰
کار در قانون دین و نظام تشریع ----- ۳۱

تعاون و مددکاری اجتماعی ----- ۳۳
اخوت اسلامی و خاستگاه اقتصادی آن ----- ۳۳
مسئولیت دولت ----- ۳۴
نقش حیاتی حکومت ----- ۳۴
چگونگی رابطه‌ی امام و امت ----- ۳۵
همسان زیستی با محرومان ----- ۳۵
پدیده‌ی سرمایه‌داری ----- ۳۶
مشکل اساسی ----- ۳۶
ره‌آوردهای شوم سرمایه‌داری ----- ۳۶
اشاره ----- ۳۶
روابط اقتصادی و بعد زندگی مادی ----- ۳۶
گردش ثروتهای عمومی در دست طبقه‌ی اشراف ----- ۳۶
رباخواری ----- ۳۷
ظلم، خیانت و استثمار ----- ۳۷
انحصارطلبی در اموال (خصوصی کردن اموال عمومی) استئثار ----- ۳۷
تأثیر سرمایه‌داری در روابط انسانی و بعد معنوی ----- ۳۸
اشاره ----- ۳۸
ترک نیکوکاری و کارهای انسانی ----- ۳۹
ترک صله‌ی رحم و قطع ارتباط خانوادگی ----- ۳۹
بخل و خست ----- ۳۹
تعهد نشناسی و مسئولیت گریزی ----- ۴۰
انتظار سامان یابی زندگی ----- ۴۰
کرامت انسان و حقوق او ----- ۴۱
پاورقی ----- ۴۳

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ---------- ۴۵

امام رضا علیه السلام – زندگی و اقتصاد.

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: امام رضا (ع): زندگی و اقتصاد/ حکیمی، محمد، ۱۳۱۸. مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، انتشارات، ۱۳۸۱. مشخصات ظاهری: ۱۹۰ ص. ؛ ۵/۱۰ ۵/۲۰X سم. فروست: انتشارات آستان قدس رضوی، شرکت به نشر؛ ۴۶۱. شابک: ۶۵۰۰ ریال: ۷-۶۰۷-۳۳۳-۹۶۴؛ ۶۵۰۰ ریال: چاپ دوم۲-۸۴۵-۳۳۳-۹۶۴: ؛ ۸۰۰۰ ریال: چاپ سوم: ۹۶۴-۰۲-۰۰۷۵-۱؛ ۱۰۰۰۰ ریال: چاپ چهارم۹-۱۰۷۸-۰۲-۹۶۴-۹۷۸: یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۲. یادداشت: چاپ سوم: ۱۳۸۳. یادداشت: چاپ چهارم: ۱۳۸۷. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع: علی‌بن موسی (ع)، امام هشتم، ۲۰۳ - ۱۵۳ ق. -- نظریه درباره اقتصاد موضوع: اسلام و اقتصاد شناسه افزوده: شرکت به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی) رده بندی کنگره: BP۲۳۰/۲/ح۸الف۸ ۱۳۸۱ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳۳ شماره کتابشناسی ملی: م۸۱-۳۴۴۴۲

پیشگفتار

نیازهای زندگی و مسائل معیشتی و اقتصادی، بیشترین نگرانی انسان دیروز و امروز است و با شرایط کنونی، در آینده نیز چنین خواهد بود. برطرف کردن این نگرانی بزرگ و فراگیر، آنگاه امکان دارد که اقتصاد با مسائل ارزشی آمیخته گردد و اخلاق به کمک معیارهای اقتصادی بشتابد، و عدالت اجتماعی بر سیاست‌های مالی و نظامهای اقتصادی پرتو افکند. روشن است که قوانین به تنهایی نمی‌تواند تعهد لازم و مسئولیت شناسی ژرفی را در انسانها پدید آورد، و از این‌همه فاصله‌های زندگی و محرومیتها بکاهد. از اینرو، در تعالیم اسلامی، اخلاق و اقتصاد پیوندی ناگسستنی دارد و فعالیتهای اقتصادی انسانی بر پایه‌ی باور تکلیف و مسئولیت‌های خدایی استوار گردیده است انسانهای دین‌باور، در گردش ثروت و شیوه‌های تولید و [صفحه ۱۰] توزیع و مصرف، از تکلیف الهی پیروی می‌کنند و مسئولیتهای انسانی را نیک باور دارند. بدین جهت است که بازار اسلامی و کارگاه و کارخانه و مزرعه‌ی اسلامی با دیگر بازارها، کارخانه‌ها و مزارع تفاوتی اصولی می‌یابد. و اصول و معیارهایی خدایی بر آن پرتو افکنده و آن را از هر گونه ظلم و حق‌کشی بدور داشته است. (البته در صورتی که اسلامی باشد). اصل تعهد شناسی و مسئولیت‌پذیری که از آموزشهای اساسی همه‌ی ادیان آسمانی است، در اسلام باید مورد تأکید قرار گرفته است؛ بویژه در روابط اقتصادی، در پرتو این اصل است که زندگی سامانی شایسته می‌یابد و از رنج و اندوه توده‌های انسانی کاسته می‌گردد. حضرت امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) در بیان «حکمت احکام» و از جمله «زکات» می‌فرماید: «لان الله کلف اهل الصحه القیام بشأن أهل الزمانهٔ و البلوی [۱ ...] خداوند توانمندان را مکلف کرده است تا برای (اداره‌ی) امور بیماران زمین‌گیر و دیگر مبتلایان قیام کنند»... مسئولیتهای اقتصادی، در حوزه‌ی رفتار و تلاش انسانی و روابط اجتماعات بشری [۲] از مهمترین مسئولیتها است، که همه‌ی انسانها در برابر آن مسئول و متعهدند، و هر [صفحه ۱۱] کس به سهم خویش و به مقدار توانی که دارد (طبق تعبیر کلام امام رضا (علیه السلام)، باید برای رفع نابسامانی‌های اقتصادی جامعه‌ی خویش و کل جامعه‌ی بشری بکوشد. همین خط مشی کلی و همین سیاست مالی است که از مجموع تعالیم دین و احادیث پیامبر (ص) و امامان معصوم (علیه السلام) و از جمله تعالیم رضوی، به روشنی به دست می‌آید. خط اساسی و معیارهای اصلی این رساله نیز بر همین محور دور می‌زند. در این زمانه‌ی ناهنجار، و با همه‌ی انسانیتهای فراموش شده، و با انبوه موانعی که بر سر راه انسانها در سراسر کره‌ی زمین پدید آمده است، اگر راههای رهایی به انسانها نموده شود، و ارزشهای معنوی و الهی درسی تبیین گردد، با آغوش باز پذیرفته خواهد شد، و روی کرد به آموزشهای اصیل دین اوج خواهد گرفت و زمینه‌ی اندیشه‌های باطل بی‌پایه و اساس بشری، از میان خواهد رفت. امام رضا (علیه‌السلام): رحم الله عبدا

أحیی امرنا. فقلت له: و کیف یحیی امرکم؟ قال: یتعلم علومنا و یعلمها الناس. فان الناس لو علموا محاسن کلامنا لا تبعونا: [۳]. خدا بیامرزد کسی را که امر ما را زنده کند. گفتم: چگونه امر شما را زنده می‌کند؟ فرمود: علوم ما را می‌آموزد و به مردمان تعلیم می‌دهد. همانا اگر مردم [صفحه ۱۲] تعالیم زیبای ما را دریابند از ما پیروی کنند (نه از غیر ما)، یعنی به راه درست و «صراط مستقیم» در می‌آیند و به سعادت هر دو جهان می‌رسند. در راستای این هدف ارزشمند، پاره‌ای از تعالیم رضوی (علیه‌السلام) در مسائل معیشت و زندگی و بینشهای اقتصادی گرد آمد، و به صورت این رساله عرضه گشت. امید که در معرفی زیبائیهای تعالیم آن امام بزرگ، موفقیتی نصیب شده باشد، و نارسایی بیان و این قلم را، ژرفایی و بی‌کرانگی این حکمتها و آموزشها جبران کند، و دیدگاههای ویژه‌ی مسائل مادی در احادیث امام علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) اندکی روشن گردد، و همگان را سودمند افتد و نسل جوان ما را با فرهنگ غنی اسلامی، اندکی آشنا سازد. مشهد مقدس رضوی ۳ / ۲ / ۸۱ [صفحه ۱۵]

اصل مالکیت

مالکیت حقیقی

امام رضا (علیه‌السلام ...): اذ کان (الله تعالی) المالک للنفوس و الأموال و سائر الأشیاء الملک الحقیقی و کان ما فی أیدی الناس عواری [... ۴ ...]. خداوند مالک حقیقی مردمان و اموال و دیگر چیزهاست، و آنچه در دست مردم است، عاریت است... مالکیت، در طول تاریخ، از سرچشمه‌های اصلی فساد، بیدادگری، درگیری و تضادهای اجتماعی بوده است؛ زیرا انسان، کانون نیاز و احتیاج است و نیازها با [صفحه ۱۶] کالاها و اموال برآورده می‌شود و در اختیار داشتن و مالکیت مال و کالا، آسایش و آرامش انسان را تأمین می‌کند. طبقاتی که به «داشتن» های فراوانی دست بیابند، می‌توانند نیازهای خود را به صورت کامل برطرف سازند، و در برابر احتیاجات احتمالی آینده تأمینی بسنده داشته باشند. بدینسان نقش اساسی مال و مالکیت در زندگی انسان آشکار می‌گردد. به دنبال پیوند ناگسستنی وضع نیازمندیها با مالکیت، حس فزون‌طلبی انسان رخ می‌نماید. از این‌رو، به ذخیره‌سازی و انباشتن ثروت و گردآوری کالاها و مواد و اموال می‌پردازد، و برای داشتن‌های زیاد و گسترش قلمرو مالکیت، به کوشش برمی‌خیزد، و هر راهی را برای رسیدن به این مقصود می‌پیماید، و از هر گونه مانع و محدودیتی سرباز می‌زند، و عوامل و زمینه‌هایی را می‌جوید که دستیابی به داشتن بیشتر و افزون‌تر را ممکن سازد. بدین جهت، ریشه‌ی فتنه‌ها و مشکلات و بی‌عدالتی و نابسامانی و نیازمندی در زندگی انسان، از مالکیت برمی‌خیزد، مالکیتی که مرز و حد و قانون و شرع نشناسد، و با احساس فزونخواهی و قدرت طلبی انسان آمیخته گردد، و بخشهای عظیمی از مواد و ثروت جامعه را از راههای نامشروع، ویژه‌ی خویش سازد. درست اندیشیدند کسانی که گفتند: انسان باید از پرستش بت «درهم و دینار [صفحه ۱۷] (سیم و زر) نیز بپرهیزد، و از قید اسارت مالی آزاد گردد، و احساس فزونخواهی و آزمندی و حرص او مهار شود، و از بند داشتن‌های افراطی و نداشتن‌های تفریطی نجات یابد، تا انسانیت او بشکفد و استعدادهایش به فعلیت درآید. اصل مالکیت - به عنوان یک قانون پایدار برای حفظ جامعه و انسان - ضرورت دارد و اصلی انکار ناپذیر است، بگونه‌ای که تعلق و بستگی برخی از اشیا به انسان، طبیعی و بر پایه‌ی اصلی فطری است، لیکن همین اصل، اگر در چهارچوب شرع و قانون محدود نگردد، و با میزان عدالت مشخص نشود، سرچشمه‌ی بدبختیها، نابسامانیها، و ویرانگریهای فراوان می‌گردد، و بسیاری از انسانها را از حق فطری خویش نیز محروم می‌سازد. در اندیشه‌ی الهی امام رضا (علیه‌السلام)، مالکیت حقیقی ویژه‌ی خداوند است و مردمان در داشتنها اصالت ندارند و مالک حقیقی نیستند؛ بلکه آنچه را در دست دارند و به ظاهر مالک آن هستند، به عنوان عاریت به آنان داده شده است تا برای گذران زندگی، از آنها - بصورت مشروع - بهره ببرند، چنانکه در کلام بلند پایه‌ی آن امام بزرگ در آغاز فصل دیدیم. نفی مالکیت حقیقی از انسان، و معرفی مالک حقیقی، نقشی اصولی در کار

بهره‌برداری از اموال و کالاها دارد، و از هدف شدن مال و مال‌پرستی مانع می گردد، و نادیده گرفتن حقوق مالی را از میان می‌برد، و بطور کلی بینش انسانها و [صفحه ۱۸] شیوه‌ی عمل آنان را در مسائل مالی، به راه درستی هدایت می کند، و از هر گونه بی‌تعهدی و خودمحوریهای سودپرستانه در مسائل مالی مانع می گردد. همچنین، این بینش توحیدی، در سیاستگذاری اقتصادی در نظام مالی جامعه نیز تأثیری ژرف دارد، و محور اصلی سیر مال و گردش ثروت را مشخص می‌سازد، و راه را به روی استفاده‌های افراطی فردی و محرومیت‌های دسته جمعی سد می کند. [صفحه ۱۹]

مالکیت مجازی

امام رضا (علیه‌السلام ...): و انهم (الناس) مالکون مجازا لا حقیقة له، و کل ما أفاده الناس فهو غنیمة [... ۵ ...]. مردمان مالک مجازی (عاریتی) هستند که مالکیت آنان حقیقتی ندارد، و همه‌ی آنچه را از راه سود به دست می‌آورند در حقیقت غنیمت است ...انسانها همه در بهره‌برداری از طبیعت و مواهب آن، جنبه‌ی وکالت، امانت‌داری، خلافت و جانشینی دارند، و می توانند در حد وکیل در اموال و اشیا تصرف کنند و از آنها بهره ببرند. آنچه مردم از راه مبادلات و صنایع و فعالیت و کار [صفحه ۲۰] به دست می‌آورند و از خوان طبیعت بر می گیرند، در حقیقت غنیمت و فضل و بخشش الهی است که به آنها می‌رسد. در آیه‌ای که مالکیت انسان ذکر شده، مالکیت اشخاص را استخلافی (جانشینی) و نیابتی و وکالتی معرفی کرده است ...: «و أنفقوا مما جعلکم مستخلفین فیه: [... ۶]. از آن چیزها و اموالی که خداوند شما را به نیابت مالک آنها قرار داده است، به دیگران بدهید». تعبیر «استخلاف: نیابت و جانشینی» ، نوع مالکیت انسان را روشن می‌سازد. محدث بزرگوار، فیض کاشانی، ذیل این آیه می گوید: «خداوند شما را در اموال نایب و خلیفه‌ی خود قرار داده است، پس در حقیقت مالک اوست نه شما». [۷]. این اصل نیز (اصل جانشینی و نیابت در اموال)، در مسائل اجتماعی تأثیری ژرف و بنیادی دارد، اگر درست آموزش داده شود، و در قانون‌گذاری و برنامه‌های مالی مورد توجه باشد. [صفحه ۲۱]

مالکیت اجتماعی

امام رضا (علیه‌السلام): اعلم ... ان حق الاخوان واجب فرض ... و أبذلوا النفوس و الأموال دونهم ... و مؤاساتهم و مساواتهم فی کل ما یجوز فیه المساواة و المؤاساة [... ۸]. بدان ...! که حق برادران واجب و فرض است از خود و اموالتان برای آنان سرمایه‌گذاری کنید، و در هر چیز که مساوات و برابری رواست با آنان به برابری و مساوات رفتار کنید ... مالکیت حقیقی خداوند و «مال الله» بودن تمام اموال و اشیا - حتی نفوس و انسانها - تعمیم بهره‌برداری [صفحه ۲۲] را اثبات می کند؛ یعنی همگان چون خلق خدا و «عیال الله» هستند (طبق تعبیر احادیث)، باید از مواهب الهی و از خوان گسترده‌ی خداوندی بهره ببرند، و همه‌ی نیازمندان نیازشان را برآورند. بنابراین، «مال الله» بودن، با «مال الناس» بودن رابطه دارد، و جریان الهی مال در جامعه و نظریه‌ی «خدا مالکی» ، به ضرورت جریانی است مردمی؛ زیرا که «مال الله» ، «مال الناس» است و اموال و اشیا وسیله‌ای برای بهره‌برداری عموم انسانها حتی جنبندگان قرار داده شده است، و هدف از خلقت خود آنها یا مواد و منابع آنها، رفع نیاز همه‌ی مردم است. همچنین این اصل اسلامی، هر گونه انحصارطلبی و ویژه ساختن بخشهایی از منابع ثروت و امکانات درآمد را به طبقه‌ای خاص مردود می‌شمارد، و مالکیتهای آزاد و نامحدود را رد می کند، و مسئولیت بزرگ افراد را در برابر جریان مال مشخص می‌سازد، و همگان را در برابر کیفیت و کمیت بهره‌برداری از اموال مسئول می‌شناسد. [صفحه ۲۳]

مالکیت فردی

امام رضا (علیه‌السلام): من شهد علی مؤمن بما یثلمه او یثلم ماله او مروءته، سماه الله کاذبا و ان کان صادقا و ان شهد له بما یحیی ما له او یعینه علی عدوه او یحقن دمه سماه الله صادقا و ان کان کاذبا. [۹@]. آن کس که به زیان مؤمنی شهادتی بدهد که مایه‌ی بدنامی او باشد، یا به مال و اعتبار او زیان رساند، خداوند او را دروغگو بنامد گر چه او راستگو باشد. و اگر گواهی‌ای داد که مال او حفظ گردد، یا در برابر دشمن او را یاری کند یا خون او حفظ شود، خدا شهادت دهنده را راستگو بنامد؛ گر چه [صفحه ۲۴] دروغگو باشد. مالکیت فردی، از حقوق طبیعی و فطری انسان است (با توجه به مفهوم حقیقی مال و ملک). انسان از نیروی مادی و معنوی خود کمک می‌گیرد و با تغییر شکل مواد طبیعت، کالایی را می‌سازد، یا از معادن استخراج می‌کند. این کالا مورد میل و رغبت و نیاز مردم قرار می‌گیرد و ارزش پیدا می‌کند و مال و ملک به حساب می‌آید. این مال و ملک، در حقیقت بخشی از تلاش آدمی و همان نیروی انسان است که در خارج تجسم یافته است، و انسان حق پیدا می‌کند که محصول کار و کوشش خود را در اختیار داشته باشد و از هر گونه تجاوز و دستبرد به آن مانع گردد. نظام اجتماعی نیز باید این حق طبیعی را برای هر فرد به رسمیت بشناسد و نگهبان و پاسدار آن باشند. این مالکیت، اگر از انسان گرفته شود، در حقیقت اختیار انسان نادیده گرفته شده و شخصیت او نفی گردیده است. شرع نیز به این اصل طبیعی و حقوقی توجه کامل دارد، و آن را در نظام اقتصادی خویش، محور و اصل قرار داده است، و تمام مبادلات و معاملات و کارهای اقتصادی را بر آن استوار ساخته است. هر گونه تجاوز به حریم [صفحه ۲۵] مالکیت فرد و غصب و سرقت مال مردمان، جرم به حساب آمده است. در تعالیم والای امام رضا (علیه‌السلام) تجاوز به حق مالکیت و سرقت اموال، عامل فساد مالی و کشتار انسانها شمرده شده است. امام رضا (علیه‌السلام ...): سرقت تحریم شد چون مایه‌ی فساد اموال و کشتن مردمان است، و به این علت که دست‌درازی و غصب اموال دیگران موجب کشتار و درگیری و حسدورزی است، و اینها مردم را به رها کردن داد و ستد و کسب مال از راه صنعت و کار فرامی‌خواند؛ زیرا (در صورت تجاوز به مال دیگران)، هیچ کس نسبت به مالی که به دست آمده است، از کس دیگر اولویت ندارد». [۱۰]. حق مالکیت در نظر امام (علیه السلام) تا بدان پایه اهمیت دارد که انسان در دفاع از این حق، می‌تواند تا مرز شهادت پیش برود، و اگر در راه حفظ مال خویش کشته شود شهید به حساب می‌آید. یعنی کارگر یا کشاورز یا کاسبی که برای جلوگیری از تجاوز به مال خود کشته می‌شود، شهید [صفحه ۲۶] محسوب می‌گردد. امام رضا (علیه‌السلام): و من قتل دون ماله فهو شهید: آن کس که برای حفظ مال خویش کشته شود، شهید است. [صفحه ۲۹]

حدود و شرایط مالکیت

اصل محدودیت

اشاره

امام رضا (علیه‌السلام ...): اذا فعل الناس هذه الأشیاء (المنهیات)، و ارتکب کل انسان ما یشتهی و یهواه، من غیر مراقبة لأحد، کان فی ذلک فساد الخلق أجمعین [... ۱۱]. زمانی که مردم به کارهای ممنوع دست زدند، و هر کس هر چه دلش خواست کرد، بدون اینکه کسی نظارت کند، (در این صورت) مردم همگی به فساد و تباهی دچار می‌گردند. در مالکیت دو نظریه است:

آزادی در مالکیت (لیبرالیسم اقتصادی)

در پناه این نظریه، هر انسانی در شیوه‌های دستیابی [صفحه ۳۰] به مال و گردش ثروت، تولید، نرخ‌گذاری و توزیع و مصرف، آزاد است. انسان در فعالیتهای اقتصادی، آزادی دارد که از هر راه می‌خواهد پول در آورد، هر چه می‌خواهد تولید کند، و به هر قیمت

می‌خواهد بفروشد، و بر هر شکل - درست یا نادرست - برای کالای خود تبلیغ کند و در هر راه و به هر اندازه که می‌خواهد مصرف کند، هر چه می‌خواهد داشته باشد و تا هر اندازه می‌خواهد در ثروت‌اندوزی پیش برود. در این امور، محدودیت و ممنوعیتی ندارد. این نظریه (لیبرالیسم اقتصادی)، شیوه‌ی سرمایه‌داران و جامعه‌های سرمایه‌داری است. در سایه‌ی این شیوه‌ی، مالکیتهای بزرگ و کلان پدید می‌آید، و بیگمان، جامعه را به دو طبقه‌ی سرمایه‌دار و محروم تقسیم می‌کند.

محدودیت در مالکیت

در پرتو این نظریه، انسان در کارهای اقتصادی و شیوه‌های تولید و توزیع و مصرف، محدود است و باید در چهارچوبهای مشخص و معینی که قانون و شرع آنها را تعیین می‌کند، و به صلاح حال افراد و جامعه است، گام بردارد. افراد در این نظام از هر راه و هر طور خواستند نمی‌توانند به ثروت دست یابند و مال‌اندوزی کنند، و هر کار را نمی‌توانند انجام دهند، و هر کالایی را نمی‌توانند تولید کنند، و کالا را به هر قیمت که خواستند نمی‌توانند بفروشند [صفحه ۳۱] در نظام توزیع نیز باید در چهارچوب عدالت اجتماعی و برابری انسانها عمل شود، و کالاهای تولید شده را به همگان برسانند و در دسترس عموم قرار دهند. در نرخ‌گذاری نیز باید جانب عدل و انصاف رعایت شود، و هیچگونه زیاده‌روی و ظلمی در کار نباشد. در مصرف نیز محدودیت هست. باید مصرف افراد، حتی در اموال شخصی، در حد لزوم و نیاز باشد و هر کس از اسراف و زیاده روی دوری گزیند و اضافه بر نیاز را در دسترس جامعه قرار دهد، و بهای آن را عادلانه دریافت کند. در سخن الهی امام رضا (علیه‌السلام) دیدیم که آزادی انسان، به حدود صلاح حال خلق محدود گشته و رعایت جانب جامعه و وضعیت اجتماعی، منظور گردیده است، و عمل آزاد و دلخواهانه و بدون مراقبت و نظارت قانون و مجریان قانون، در داد و ستد و تولید و توزیع و مصرف، زیانمند و ممنوع شمرده شده است. از اینرو، کار و عمل اقتصادی نیز در اسلام، چون دیگر اعمال، به حرام، مباح، واجب و ... تقسیم می‌شود؛ و پس از رسیدگی، بسیاری از شیوه‌های پول‌سازی و کارهای اقتصادی و روشهای درآمد و مصرف - در اوضاع کنونی - حرام و ممنوع دانسته می‌شود، و برخی جایز و مباح. تولید برخی کالاها که قوام و استواری نظام جلسه را موجب گردد، یا نیاز همگان را برآورد، واجب [صفحه ۳۲] شمرده شده است. بنابراین، شیوه‌های درآمدی که در سیستم اقتصاد آزاد، و در جامعه‌ی سرمایه‌داری رایج و مجاز است، از نظر امام رضا (علیه‌السلام) ممنوع و محکوم است. در نظر امام رضا (علیه‌السلام) شیوه‌ی درآمد باید در چهارچوب مقررات و قوانین سودمند به حال جامعه و مردمان محدود گردد، و هر فعالیت اقتصادی که به نوعی برای فرد و جامعه زیان‌آور باشد ممنوع شود. در برابر این نظریه - که همواره از طرف پیامبران اعلام و پیگیری می‌شده است - نظریه‌ی ثروت‌اندوزان خودسر و خودکامه است که هر کار و هر شیوه را در راه مال‌اندوزی روا و جایز می‌دانند، و به هر کاری برای دستیابی به این هدف دست می‌یازند. این جریان در قرآن مطرح شده است ...: اصلوتک تأمرک ان نترک ما یعبد اباؤنا او ان نفعل فی اموالنا ما نشاء [... ۱۲]. آیا همین نماز تو فرمان می‌دهد ترا که ما خدایی را که پدرانمان می‌پرستیدند رها کنیم و در اموال خویش چنانکه خواهیم تصرف نکنیم [... صفحه ۳۳]

محدودیت در راههای درآمد

امام رضا (علیه‌السلام ...): و اجتناب الکبائر و هی قتل النفس التی حرم الله تعالی و أکل الربا بعد البینة ... و البخس فی المکیال و المیزان ... و الاسراف و التبذیر ... و الخیانة: [... ۱۳]. (از شرایط ایمان است) دوری از گناهان کبیره یعنی کشتن انسان - که خداوند منع کرده است - و رباخواری پس از دلیل (که این مورد ربا است) و کم دادن و کاستن پیمانه و ترازو ... و اسراف و ریخت و پاش ... و خیانت ... در این کلام، امام از گناهان کبیره سخن می‌گوید [صفحه ۳۴] (یعنی گناهانی که کیفر آنها سوختن در جهنم است) شیوه‌های درآمد نامشروع و گردآوری ثروتهای حرام نیز از کبائر شمرده شده است، و برخی از این شیوه‌ها را

همسان بدترین گناهان چون آدم‌کشی یاد کرده است. آری کم‌فروشی، اسراف و ریخت و پاش، خیانت، درآمد از راه ربا، سود پول و ... در کنار قتل نفس قرار گرفته است. چه فرق می‌کند که انسان یکباره به حیات انسانی پایان دهد، یا با مکیدن خون او و بریدن رگ حیات اقتصادی، وی را به کم‌خونی و مرگ تدریجی دچار سازد. [۱۴]. انفاق نیز که از برترین کارها شمرده شده و یکی از صور تصرف در اموال است، باید در محدوده‌ی ضوابط و محدودیتهای شرعی صورت گیرد، و انسان متعهد نخست باید بنگرد مالی را که می‌خواهد انفاق کند از راه مشروع به دست آورده است یا نه؟ اگر از راه مشروع به دست آمده است انفاق کند، و گرنه انفاق در اموالی که از راههای نامشروع و دور از مقررات دین به دست آمده باشد، ارزشی ندارد، بلکه باید آنها را به صاحبانش برگرداند. در قرآن به صراحت اعلام شده است ...: انفقوا من طیبات ما کسبتم: [... ۱۵]. [صفحه ۳۵] انفاق کنید از مالهای پاکی که به دست آورده‌اید ... و امام صادق (علیه‌السلام) این آیه را چنین تفسیر کرده است: امام صادق (علیه‌السلام...): کان القوم قد کسبوا مکاسب سوء فی الجاهلیة، فلما أسلموا أرادوا أن یخرجوها من أموالهم لیتصدقوا بها، فأبی الله تعالی الا أن یخرجوا من طیبات ما کسبوا: مردم (در جاهلیت) از راههای ناهنجار (و غیر مشروع) اموالی به دست آورده بودند. چون به اسلام گراییدند، خواستند تا آن اموال را از دارائی خود افراز کنند و آنها را صدقه دهند. خداوند این را نپذیرفت، و انفاق را از درآمدهای حلال و پاک روا دانست. [صفحه ۳۶]

محدودیت سود در داد و ستد

امام رضا علیه‌السلام): ربح المؤمن علی أخیه ربا، الا أن یشتری منه شیئا بأکثر من مئة درهم، فیربح فیه قوت یومه، او یشتری متاعا للتجارة فیربح علیه ربحا خفیفا: [۱۶]. سود گرفتن مؤمن از برادر دینی خویش ربا است، مگر اینکه چیزی را به بیش از صد درهم بخرد. در این صورت، به اندازه‌ی خوراک روزانه‌اش سود دریافت می‌کند؛ یا کالایی را برای فروش بخرد، در این صورت سود اندکی از او می‌گیرد. در پرتو این کلام، به محدودیت اصولی دیگری [صفحه ۳۷] می‌رسیم و آن، محدودیت در چهارچوب سودهای تجاری و داد و ستدها است. داد و ستد و تجارت، در اصل و ماهیت مباح و مجاز است و کسانی که کالایی را با کوشش و صرف وقت، در اختیار مصرف کننده قرار می‌دهند، به مصرف کننده کمک کرده‌اند و شایستگی مزد و پاداش و به اصطلاح مقداری سود دارند؛ لیکن این سودها باید محدود باشد، و در چهارچوب قانون عدل و انصاف محدود گردد. شرایط و نوسانهای اجتماعی و اقتصادی، نباید موجب گردد که در روابط تجاری و خرید و فروش، پای سودهای کلان به میان آید، و نظام فاسد و ضد اجتماعی واسطه‌گری، بتواند در تنگناها و فشارهای اقتصادی، سودهای کلان به جیب بزند، و دست توده‌های مصرف کننده را به نام «جواز سود در معاملات» تهی سازد. امام رضا (علیه‌السلام) در این سخن می‌فرماید: به اندازه‌ی گذران زندگی (قوت یومه) سود ببرد، یا در مورد مال تجاری، سود اندک (ربح خفیف) داشته باشد. و رشد و افزایش ناموزون و زیاد سود، در معاملات تجاری نباشد. در اقتصاد سرمایه‌داری، سود، قاعده و هدف و اصل است، و جریان کالا، برای سرمایه‌داران، وسیله و ابزاری برای دستیابی به سود بیشتر است. ماهیت نظام سرمایه‌داری را سودهای روزافزون و درآمدهای افزایشی و زیاد تشکیل می‌دهد. [صفحه ۳۸] در اسلام، هدف اصلی، توزیع سالم کالا در جامعه و رفع نیاز مردم و رعایت مصالح عمومی است. آیة الله شهید دکتر محمد حسینی بهشتی می‌گوید: «از تتبع قسمت مهم روایاتی که از عصر پیامبر (اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه (سلام الله علیهم اجمعین) در زمینه‌ی آداب تجارت داریم، به خوبی در می‌یابیم که یک کاسب دارای اخلاق اسلامی و ملتزم به مبانی اسلام، سودی که در کسب برای خود در نظر می‌گیرد، معادل حق الزحمه‌ای است که عادلانه باشد؛ ولی کاسبی که علاوه بر این بخواهد اصل سرمایه‌ی او که از نظر اقتصادی عقیم و نازا است، برای او معجزه کند، و فرزند داشته باشد، فرد غیر منصفی است، و در این زمینه در معیارهای اسلامی تردیدی نیست ... ما از آیه‌ی «احل الله البیع و حرم الربا» تا حد سود معقول، حق الزحمه‌ی فروشنده را می‌فهمیم،

و بیش از این از نظر ماهیت اقتصادی، نوعی ظلم است، و هیچگونه تفاوتی با ربا نـدارد» [... ۱۷]. آیهٔ الله شهید سید محمدباقر صدر نیز می‌گوید: «این منع قاطع امام (در عهدنامه مالک اشتر) از احتکار، به معنای خواست شدید اسلام نسبت به از میان بردن سودهایی است که بر اساس قیمتهای ساختگی استوار است، و در جریان احتکار سرمایه‌داری پدیـد می‌آید. سود پاک [صـفحه ۳۹] (مشروع) سودی است که از راه بهـای واقعی مبـادله کالا به دست می‌آیـد. و این قیمتی است که بر اساس سود کالا و مقـدار قـدرت طبیعی و خارجی آن به دست می‌آید، با دور افکندن جریان کمیابی ساختگی که سرمایه‌داران و بازرگانان محتکر با تسلط بر جریان عرضه و تقاضا آن را ایجاد می‌کنند». [۱۸]. نیز ایشان در کتاب گرانقـدر «اقتصادنا» در این زمینه تحلیلهای ارزنده‌ای دارد که فرازهایی از آن را در اینجا می‌آوریم. «بدینسان، فروش برای خرید (برای برطرف کردن نیازها)، به فروش برای انباشتن پول تحول یافت. [۱۹]. کلام امام رضا (علیه‌السـلام) از قرآن گرفته شـده است. قرآن، درباره‌ی تجویز سودهای تجاری چنین گفته است: «لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطـل الا ان تکون تجارهٔ عن تراض منکم و لا تقتلوا أنفسـکم [... ۲۰]. اموالتان را در بین خود بناحق مخوریـد، مگر داد و سـتدی باشد با رضایت شما (خریدار و فروشنده)، و خودهاتان را مکشید» ... در این آیه، رضایت خریدار و فروشنده شرط شده است، و در صورت گرانفروشـی و سودهای زیاد، رضایت [صفحه ۴۰] فروشـنده حتما وجود ندارد. در آغاز فصل «اصل محدودیت» ، سخنی از امـام رضـا (علیه‌السـلام) آوردیم که اگر کنترل و محـدودیتی در کارهـای اقتصـادی و غیر اقتصـادی انسانهـا نباشـد، جامعه به تباهی کشـیده می‌شود، و همگـان به فسـاد دچـار می‌گردنـد. از نمونه‌هـای مهم و روشن محـدودیت و نظارت در کارهای اقتصادی افراد و اجتماعـات، کنترل سود در معاملات است. امـام علی (علیه‌السـلام ...): ولیکن البیع بیعـا سـمحا، بموازین عـدل، و اسـعار لا تجحف بـالفریقین، من البـائع و المبتاع: [... ۲۱]. معـامله بایـد سـهل و آسـان و با میزان عـدالت انجام شود و با نرخهایی صورت گیرد که به هیچیک از خریدار و فروشـنده اجحاف نشود. این حدیث، معیار اصـلی در حدیث امام رضا (علیه‌السـلام) را بازگو می‌کند، که باید در مبـادله «ربـح حفیـف» و اجحـافی به هیچیـک از خریـدار و فروشـنده نشود. «بیع سـمح» و آسـان و از روی موازین عـدالت و نرخ منـاسب، که در کلام امـام علی (علیه‌السـلام) آمـده است، معنای «ربـح حفیف» در کلام امام رضا (علیه‌السـلام) را روشن می‌سازد. [صفحه ۴۱]

محدودیت در مصرف

امام رضا (علیه‌السـلام ...): اسـتأذنت الرضا «علیه‌السلام» فی النفقهٔ علی العیال؟ فقال: بین المکروهین. فقلت: جعلت فداک لا و الله ما اعرف المکروهین. قـال: فقال له: یرحمک الله اما تعرف ان الله عزوجل کره الاسـراف و کره الاقتار [۲۲]، فقال: «و الذین اذا انفقوا لم یسـرفوا و لم یقتروا و کـان بین ذلـک قواما»: [۲۳]. از امـام رضـا (علیه‌السـلام) درباره‌ی چگونگی تأمین مخارج خانواده جویا شـدم، فرمود: (مخارج خانواده) حـد وسط است میان دو روش ناپسـند. گفتم فـدایت شوم: به خـدا سوگنـد نمی‌دانم این دو روش چیست؟ فرمود: رحمت الهی بر تو باد، آیا نمی‌دانی که خداونـد بزرگ [صـفحه ۴۲] اسـراف (زیاده روی) و اقتار (سختگیری) را ناخوشایند دارد و در قرآن فرموده است: «آنـان‌که هر گـاه چیزی ببخشـند نه زیـاده‌روی کننـد و نه خست ورزنـد، و میـانگین این دو را در حد قوامی (مایه‌ی پایداری و بقای زندگی) ببخشـند». از دیدگاه امام رضا «علیه‌السـلام» ، پس از محدودیتهای گذشـته در مسائل مالی و کسب مال، تصرفات در اموال شخصی نیز محدود است؛ یعنی اموالی که طبق اصل مالکیت فردی، به شخص تعلق دارد و اختیار آنها در دست اوست و بظـاهر انگاشـته می‌شـود که او می‌توانـد در آنهـا هر گـونه که خـواست تصـرف کنـد، در واقع این‌چنین نیست، و تصـرفات در اموال شخصـی نیز محدود و مشـروط است، و هر کس در مال خود نیز مجاز نیست هر گونه بخواهد تصرف کند؛ بلکه تصـرف او باید در حد میانه و دور از اسـراف باشد. هر گونه اسـراف و مصرف زیاد در اموال شخصی و برای شخص مالک، ممنوع است. اتفـاق بالاـترین و ارزشـمندترین نوع تصـرف در اموال شخصـی است، و شخصـی که مـال خود را انفاق می‌کنـد، بهترین نوع

تصرف را در آن انجام داده است، بویژه که برای افراد خانواده‌ی خودش باشد؛ با این وصف، این تصرف نیز محدود و مشروط و مشروط است. باید انفاق در حد متعادل و وسط (و حد قوامی) باشد، نه زیاده از مقدار لازم و نه [صفحه ۴۳] کمتر از آن. چنانکه در حدیث امام رضا «علیه‌السلام» بدان اشاره شد. «اسراف» و «اقتار» ، دو حد نامتعادل و نامعقول و غیر قوامی و غیر مشروع مصرف است، حد مشروع و معقول، حد میانه و نظام قوامی قصد، اقتصاد و میانه‌روی است؛ چنانکه در حدیث امام رضا «علیه‌السلام» بدان اشاره رفت. امام در کلامشان فرمودند: پرداخت مخارج خانواده، میان دو مرز قرار دارد: مرز اسراف و زیاده‌روی (و تجمل گرایی و پرمصرفی)، و مرز اقتار (تنگ گیری و کمتر از حد لازم خرج کردن) و ایجاد کمبود در زندگی. با بررسی احادیث دیگری که از امام رضا «علیه‌السلام» در این زمینه رسیده است، به مرزهای دقیق‌تری از مفهوم اسراف دست می‌یابیم. در کوچکترین چیزها، حتی آنها که در نظر مردم بی‌ارزش و دور ریختنی جلوه می کند، امام اسراف را روا نمی‌داند. امام رضا «علیه‌السلام»: «من الفساد قطع الدرهم و الدینار و طرح النوی: [۲۴]. تکه تکه کردن درهم و دینار (یا هر پولی دیگر که آنها را از استفاده بیندازد)، و دور افکندن هسته‌ی خرما (که ممکن است بذر نخلی شود، یا به مصرف دیگری آید)، از جمله کارهای فاسد و نادرست است». [صفحه ۴۴] در آشامیدنیها و خوردنیها نیز در نظر امام رعایت حد میانه لازم است، حد میانه مایه‌ی دوام و سلامت مزاج است، و زیاده‌روی و پرخوری بدن را می‌فرساید و عمر را کوتاه می کند، و موجب انواع بیماریها می گردد. امام رضا «علیه‌السلام»: لو ان الناس قصدوا فی المطعم لأستقامت أبدانهم: [۲۵] اگر مردمان حد میانه را در خوراک رعایت می کردند بدنهاشان پایدار (و سالم) می‌ماند. حد میانه در خوردن، متناسب با رشد تن و روان آدمی است. در پوشیدن نیز، رعایت جانب حد میانه و دوری از تجمل گرایی و اسراف لازم شمرده شده است. [۲۶]. [صفحه ۴۵]

تقدیر (اندازه‌داری) در زندگی

امام رضا «علیه‌السلام»: «لا یستکمل عبد حقیقة الایمان حتی تکون فیه خصال ثلاث: التفقة فی الدین، و حسن التقدیر فی المعیشة، و الصبر علی الرزایا: [۲۷]. تا سه خصلت در آدمی نباشد، حقیقت ایمان او کمال نیابد: «ژرف شناختن دین، و اندازه داشتن در زندگی و پایداری در مصیبتها». از شاخه‌های اصل محدودیت در مصرف، تقدیر در (معیشت) زندگی است. این اصل، در کلمات پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» و امامان «علیهم السلام» فراوان آمده است، و به معنای اندازه داشتن در [صفحه ۴۶] هزینه، و حساب کردن امور زندگی، و برقراری هماهنگی میان نیازها و چگونگی برآورد آنها است؛ یعنی رعایت اصل حیاتی نظم و انضباط اقتصادی است. این اصل از برنامه‌های اساسی اقتصادی و تربیتی در اسلام است. افراد جامعه‌ی اسلامی باید دارای تربیتی اقتصادی باشند، و زندگیشان برنامه داشته باشد؛ و مصرف مواد و کالاها باید در چهارچوب محاسبه و مدیریت انجام گیرد. اهمیت این بعد از تربیت، در این است که نظام اقتصادی حاکم بر حیات فرد و جامعه، اگر با اندازه‌داری و محاسبه باشد، زمینه‌ای سازنده برای رشد مادی و معنوی افراد خواهد بود. و سبب می‌شود تا از امکانات و نیروها به موقع و باندازه بهره‌برداری شود، و از هرز رفتن توان و فکر و سرمایه‌های انسانها جلوگیری بعمل آید زندگی بی‌حساب و فاقد محاسبه و اندازه‌داری، تعادل و هماهنگی لازم را ندارد و با وجود صرف نیرو و سرمایه‌ی فراوان، بازدهی بسیار اندک خواهد داشت؛ در نتیجه امکانات و نیروها هرز می‌رود، و استواری و پایداری حیات فرد و جامعه دچار مخاطره می گردد. اصل «تقدیر در معیشت» ، به رعایت حدود لازم و پیروی از حد میانه و دوری از اسراف می‌انجامد. این اصل، با توجه به زبانی که در حدیث امام رضا «علیه‌السلام» و دیگر احادیث به کار رفته، و به صورتی کلی و [صفحه ۴۷] قانونمند بازگو شده است، همه‌ی مراحل تکلیفی را در همه‌ی ابعاد زندگی در برمی گیرد. دوری از اسراف، تبذیر، و تضییع و فاسد کردن مواد و کالاها را نیز شامل می گردد. مراحل نهایی و تکامل یافته‌ی مصرف را که حذف زواید و امور غیر ضروری است، تضمین می کند. این اصل همچنین در قلمرو گسترده‌تر برنامه‌ریزیهای اقتصادی نیز جریان دارد. برنامه‌ریزی

اقتصادی و نظام تولید و توزیع باید با تقدیر و محاسبه انجام گیرد. تولید هر کالا باید با اندازه‌گیری و محاسبه باشد تا مقدار توان و کارآیی که از آن کالا منظور بوده با ترکیب موادی که در آن به کار رفته است، هماهنگ باشد. [صفحه ۴۸]

شکر (بهره‌برداری درست از نعمتها)

امام رضا «علیه‌السلام»: «ان صاحب النعمهٔ علی خطر أنه یجب علیه حقوق الله فیها؛ و الله انه لتکون علی النعم من الله - عزوجل - فما أزال منها علی و جل ... حتی أخرج من الحقوق التی تجب لله علی فیها ... فقلت: جعلت فداک أنت فی قدرک تخاف هذا؟ قال: نعم فأحمد ربی علی ما من به علی: [۲۸]. صاحب نعمت در خطر است، چون حقوقی خدایی در آن نعمتها واجب گردیده است. به خدا سوگند که نعمتهایی از خداوند به من می‌رسد و من همواره از آن بیمناکم ... تا حقوق واجب الهی آن را ادا کنم. [صفحه ۴۹] (راوی حدیث می‌گوید)، گفتم: فدایت شوم، تو با مقامی که داری از این امر هراسناکی؟ امام گفت: آری، و خدای را بر اینکه مرا نسبت به ادای تکلیف حساس کرده است سپاس می‌گزارم. شکر، با توجه به مفهوم حقیقی آن، محدودیتی اصولی و هدفدار را در اموال موجب می‌گردد. اموال و کالاها، حتی آنها که مصنوع انسان است، مصنوع خداوند است و در حقیقت از خداست - چنانکه در بخش «مالکیت حقیقی» روشن گشت در بخش آغازین کتاب خواندیم، که انسان اجازه‌ی بهره‌برداری از نعمتها را دارد، و مالک مجازی و استخلافی است. این نوع مالکیت، رعایت هدف و غرض مالک حقیقی را در کلیه‌ی تصرفات، لازم می‌سازد. و همین رعایت، سپاسگزاری و شکر است. رعایت دقیق و قاطع حدود و مقرراتی که مالک حقیقی اموال گذارده است، وظیفه‌ی انسانها است که اجازه یافتند تا از آنها بهره‌برداری کنند؛ زیرا رضایت مالک حقیقی برای وکیل و نایب در تصرف، ضروری است. از اینرو، می‌توان گفت که حقیقت «شکر» ، همان رعایت بالاترین و دقیق‌ترین مقررات و محدودیتهاست در اموال، که موجب رضایت واقعی بخشنده‌ی آنها می‌گردد. چگونگی بهره‌برداری و حدود و مقررات آن، در آیات قرآن و تعالیم اسلامی و [صفحه ۵۰] رضوی آمده است، که بهره‌برداری باید به اندازه و دور از اسراف باشد. این نوع مصرف مورد رضایت بخشنده‌ی اموال و مواد است، و تحصیل این رضایت، شکر است. همچنین، برای تحقق شکر در عمل، باید هدف اصلی از آفرینش نعمتها منظور گردد، هدف از خلقت نعمتها، بهره‌برداری همگان و رفع نیاز نیازمندان است، چنانکه در قرآن کریم آمده است: «متاعا لکم و لانعامکم [۲۹] کالایی است برای شما و چهارپایان شما» ، و «رزقا للعباد [۳۰] روزی است برای بندگان» و ... جمع و احتکار و اسراف و شاد خواری و اتلاف نعمتها، برخلاف غرض اصلی آفرینش آنهاست و فقیه و عالم بزرگ، ملا محمد مهدی نراقی، می‌گوید ...: «کسی که از هر چیز بدانگونه که هدف و منظور از آفرینش آن است بهره‌برداری کند، نعمت خدای را شکر گزارده است. و اگر چیزی را بگونه‌ای مصرف کرد که به هدف و مقصود از آن رهنمون نشد، یا در جهتی که برای آن آفریده شده است نبود، نعمت خدا را ناسپاسی کرده است [۳۱ ...]. «همچنین فلسفه‌ی آفرینش خوراکیها تغذیه است، پس شایسته نیست که از این جهت منحرف شود و در [صفحه ۵۱] دست برخی محدود گردد؛ بلکه لازم است از دست بی‌نیاز بگیرند و به نیازمند بدهند. از اینرو، در تعالیم دین، احتکار و ربا در معاملات خوراکی ممنوع گشته است، چون این امر موجب می‌گردد تا هدف و مقصود از خلقت خوراکیها منظور نگردد» [... ۳۲]. در سخن دیگری که از امام رضا «علیه‌السلام» رسیده است، اهمیت شکر نعمت و موضوع و معنای آن بخوبی روشن می‌شود: امام رضا «علیه‌السلام»: و اعلموا أنکم لا تشکرون الله تعالی بشیء بعد الایمان بالله و بعد الاعتراف بحقوق اولیاء الله من آل محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» ، احب الیه من معاونتکم لاخوانکم المؤمنین، علی دنیاهم التی هی معبر لهم الی جنان ربهم ... قیل یا رسول الله هلک فلان، یعمل من الذنوب کیت و کیت. فقال رسول الله «صلی الله علیه و آله و سلم» ، بل قد نجی و لا یختم الله عمله الا بالحسنی، سیمحو الله عنه السیئات و یبدلها من حسنات؛ انه یمر مرهٔ فی طریق عرض له مؤمن قد انکشف عورته و هو لا یشعر، فسترها علیه و لم یخبره بها مخافهٔ ان یخجل: [... ۳۳]. بدانید که پس از ایمان به خدا و پذیرش حقوق [صفحه ۵۲]

اولیای او از آل محمد «علیه السلام» ، سپاسگزاریی محبوبتر نزد خداوند از یاری رسانی به برادران مؤمن نیست، یاری رسانی به زندگی دنیای آنان که راهی است برای رسیدن ایشان به بهشت. کسانی که چنین یاریی برسانند از ویژگان درگاه الهی‌اند. پیامبر ۳صلی الله علیه و آله و سلم» در این باره سخنی گفته است که اگر نیک در آن دقت شود و بدان عمل کنند، شایسته نیست کسی از این فیض الهی خود محروم سازد. به پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» گفتند: فلانی هلاک گردید چون گناهانی چنین و چنان مرتکب می‌شود. پیامبر فرمود: بلکه او نجات یافت، و خداوند عمل او را به نیکی به پایان خواهد رساند. خداوند گناهان او را پاک خواهد ساخت و به حسنات تبدیل خواهد کرد؛ زیرا که او گهگاهی از راهی می گذرد، و مؤمنی را می‌بیند که برخی از اندام او (که باید پوشیده باشد) آشکار شده است و خود او نمی‌داند آن را می‌پوشاند و به او چیزی نمی گوید تا مبادا شرمگین شود» ... در این کلام امام، اهمیت رعایت حقوق انسانها در مواهب خدایی، با سبکی قاطع بیان شده است، و شکر نعمت - پس از ایمان به خدا و گردن نهادن به حقوق اولیای خدا - کمک رسانی و دستگیری نیازمندان معرفی گشته است. [صفحه ۵۵]

پدیده‌ی فقر

فقر، عامل مرگ و نابودی

امام رضا علیه‌السلام: اذا أکل مال الیتیم ظلما فقد أعان علی قتله اذ الیتیم غیر مستغن و لا محتمل لنفسه، و لا قائم بشأنه و لا له من یقوم علیه و یکفیه کقیام والدیه فاذا أکل ماله فکأنه قد قتله و صیره الی الفقر و الفاقة: [... ۳۴]. هر گاه مال یتیم را بخورد، به کشتن او کمک کرده است؛ زیرا یتیم نه بی‌نیاز است، و نه می‌تواند بار (زندگی) خویش را بر دوش کشد، و نه در شئون زندگی بر پای خویش بایستد، نیز کسی ندارد که امور زندگی او را اداره کند، و او را بسنده باشد، چونان پدر و مادر، پس آنگاه که مال او را تباه کرد چنان است که او را کشته و به بینوایی و تهیدستی افکنده است. [صفحه ۵۶] پدیده‌ی شوم فقر، از ناهنجارترین دردها در زندگی انسان است، و در ابعاد مادی و معنوی زندگی فرد و جامعه آثار و عوارضی زیانبار و ویرانگر دارد. فقر از دوران گذشته‌ی تاریخ تاکنون، در اجتماعات بشری بیداد کرده و اندیشه و روان و جسم و جان و جمله‌ی هستی آدمیان را دستخوش تباهی قرار داده است. قرن حاضر، با همه‌ی ادعاها و پیشرفتها، بر گسترش روزافزون این پدیده در خانواده‌ی بشری افزوده و چیزی از آن نکاسته است. ماهیت شیطانی نظامهای سرمایه‌داری غرب با زیر نفوذ قرار دادن سرمایه‌ها در بخش خصوصی جهان سوم، اکثریت خانواده‌ی بشری را به تهیدستی کشنده‌ای دچار ساخته است. اکنون در این بخش، به بررسی این پدیده در گفتار بلند و بیکرانه‌ی امام رضا «علیه‌السلام» می‌پردازیم، و معنای فقر و برخی از علل و عوامل و عوارض و پیامدهای آن را بر جسم و روح انسان جستجو. می کنیم، و شیوه‌های مبارزه با مشکل بزرگ فقر را از احادیث و تعالیم امام رضا «علیه‌السلام» می‌آموزیم. از خواننده انتظار داریم در این بررسی، تا آنجا که در توان دارد با ما همراهی کند، و ژرف بنگرد که آن امام بزرگ انسانیت، به این مشکل اساسی حیات انسان چگونه نگریسته و پیامدهای زهرآگین و ویرانگر آن را چگونه ترسیم کرده و برای رویارویی با آن چه اصول و معیارهایی را ارائه داده است. [صفحه ۵۷] حدیث نخستین این فصل، درباره‌ی یتیم و خوردن مال او بود. امام رضا «علیه‌السلام» ، خوردن اموال یتیمان را، در حکم قتل آنان شمرده است. پس از آن، عللی را برای این موضوع ذکر فرموده است که از آن قانونی عام و کلی به دست می‌آید، که می‌تواند جهت گیری کلی در مبارزه با این مشکل را مشخص سازد. ثابت شده است که علت حکم، عمومیت بیشتری از حکم دارد؛ زیرا علت در جاهای دیگر نیز وجود دارد و حکم نیز بدانجا سرایت می کند. اینکه علت حکم تحریم خوردن مال یتیم، تهیدستی و فقر یتیم است. امام می گوید: آنکه مال یتیم را بخورد، عامل مرگ و قتل او شده است؛ به این علت که او را به فقر و تهیدستی دچار ساخته است. یتیم نمی‌تواند بار خویش بر دوش بکشد و در زندگی بر پای خویش بایستد. پدر و مادری ندارد که

امور معاشش را بسنده باشند؛ او تنها به اموال خویش تکیه دارد که تامین کننده‌ی نیازهای اوست. پس آنان که این تکیه‌گاه را بستانند و او را فقیر و تهیدست سازند، چنان است که وی را کشته باشند. بیگمان می‌توان از کلام امام استفاده کرد: هر انسانی که مال و مواد لازم زندگی را در اختیار نداشته باشد، و افراد یا سازمانهایی نباشند که دست او را بگیرند، دست به گریبان فقر می‌گردد. و همین امر سرانجام او را به نیستی و نابودی می‌کشاند. همه جریانها، برنامه‌ها، اشخاص، گروهها و سیاستهایی که زمینه‌ی فقر افراد را فراهم آورند، و شرایط رشد [صفحه ۵۸] ثروت در دست طبقاتی را آماده کنند، و دست اکثریت را از تولید و سرمایه و کار کوتاه سازند، چنان است که به قتل آنان دست زده‌اند. از این بیان موضع زیانبار و غیرقابل قبول فقر روشن می‌گردد. در دعاهای ما که به زبان ویژه‌ی خود فرهنگ اسلامی را تبیین می‌کند، همواره از فقر و مسکنت نکوهش شده و به عنوان پدیده‌ی شومی معرفی گشته است، که باید از شر آن به خدای متعال پناه برد. علامه مجلسی «رحمهٔ الله» می‌گوید: درخواست فقر از خداوند، در دعاها نیامده است؛ بلکه در بیشتر دعاها، استعاذه (پناه بردن) به خداوند از فقری که عامل بدبختی است، رسیده است». [۳۵]. اکنون نمونه‌هایی از احادیث: پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم»: الفقر اشد من القتل: [۳۶]. فقر دشوارتر از قتل (مرگ) است. امام علی علیه‌السلام: الفقر، الموت الاکبر: [۳۷]. [صفحه ۵۹]

فقر، عامل سلب شخصیت

امام رضا «علیه‌السلام ...»: اذا اقبلت الدنیا علی انسان اعطته محاسن غیره، و اذا ادبرت عنه سلبته محاسن نفسه: [۳۸]. هر گاه دنیا (مال و ثروت) به انسانی روی آورد، نیکی‌های دیگران را به او می‌دهد و هر گاه به کسی پشت کند (و او فقیر شود) نیکی‌های خودش را نیز از او می‌گیرد. از آثار دیگر فقر، سلب شخصیت است. زیربنا و ارکان اصلی هستی آدمی شخصیت او است، و بازده زندگی هر انسان و چگونگی آن، به شخصیت او بستگی [صفحه ۶۰] دارد. انسانهای تحقیر شده و بی‌شخصیت، نمی‌توانند مبدأ حرکت و کارهای مهم اجتماعی باشند. افراد با منش و با شخصیت، خاستگاه حرکتهای مهم و ارزنده‌اند و پشتوانه‌ی حرکت و اقدام انسانهای دیگر نیز می‌توانند باشند. شخصیت هر کس، در درجه‌ی نخست به ارزیابی خود او از شخصیت خویش مربوط است. انسان درباره‌ی خود هر گونه بیندیشد، همانگونه است و تا همان پایه می‌تواند رشد کند و به اندازه‌ای که به خود اعتماد دارد، می‌تواند به خود ببالد و برآید و در جامعه ثمری داشته باشد. طبق تعبیر برخی از احادیث، حیات انسان به حیات شخصیت او بستگی دارد، و مرگ او در مرگ و سلب شخصیت او نهفته است. در طبقه‌ی فقیر، نخستین اثر فقر، سلب شخصیت است که در حدیث امام رضا «علیه‌السلام» آمده بود. فقر، هم فرسایش و ضعف جسمانی پدید می‌آورد، و هم فرسایش و ضعف روحی. فقر موجب ناتوانی جسمی است، و ناتوانی جسمی در ناتوانی روحی و روانی اثر می‌گذارد و این خود علت تزلزل در شخصیت و ضعف اراده و احساس خود کم‌بینی و عدم اعتماد به نفس می‌گردد. پیامد دیگری نیز در فقر هست که موجب سلب شخصیت است. و آن اینکه فقر به سیمای ظاهری انسان [صفحه ۶۱] نیز صدمه می‌زند و سیمای ظاهری آدمی در موضع و موقعیت اجتماعی او دخالتی فراوان دارد. جامه‌ی تمیز و رعایت بهداشت و آرایش ظاهری، موجب جلب نظر و ارج گزاری مردم است. نظر و توجه مردم، شخصیت را بالا می‌برد و اعتماد آدمی را نسبت به خود افزون می‌سازد. طبقه‌ی فقیر چون نه جامه‌ی درستی دارند، نه نظافت را می‌توانند رعایت کنند و نه دست به آرایشی زنند، (و گاه در سیمای ظاهری وضعی چندش آور و ناهنجار دارند) در جامعه نیز موقعیت و پایگاه اجتماعی را از دست می‌دهند و مورد توجه مردم قرار نمی‌گیرند. به این جهت نیز، شخصیت آنان ضربه می‌خورد. کم بینی‌ها و بی‌توجهی‌های اجتماعی چنان در آنان اثر می‌گذارد که به کلی شخصیت اجتماعی خود را از دست می‌دهند و دچار حالت ویرانگر سلب شخصیت می‌شوند. اینکه امام رضا «علیه‌السلام» ، در سخنانش فرمودند: «اذا ادبرت عنه سلبته محاسن نفسه: هر گاه (دنیا و پول) از انسان روی برگرداند نیکیهای او را از او می‌گیرد». برای همین علت اساسی است که انسان نیازمند با از دست دادن مظاهر

زیست مادی، نیکیهای نهفته در خویش را نیز از دست می‌دهد، و توان و منش و خوی و استعداد و خصلتهای خود را هیچ می‌انگارد. انسانهای تهیدست،: اغلب دارای بسیاری از خصلتهای والای انسانی هستند [صفحه ۶۲] که می‌تواند شخصیت آنان را تعالی بخشد و موجب اعتلای حیثیت انسانی و موقعیت اجتماعی انسانی و موقعیت اجتماعی آنان گردد، و از آنان افرادی بسیار مفید و ارزشمند بسازد، لیکن در اثر فقر، این خصلتهای ارزنده شکوفایی ندارد، و احترام و ارج گزاری دیگران را موجب نمی گردد، و موجب رشد و پیشرفتی نمی‌شود. [صفحه ۶۳]

فقر، کلید مشکلات اجتماعی

امام رضا «علیه‌السلام»: المسکنة مفتاح البؤس: [۳۹]. بینوایی کلید بدبختی و بیچارگی است. بررسی مشکلات اجتماعی، و سبب‌جویی و علت‌شناسی نابسامانیها روشن می‌سازد که فقر اساس مشکلات و نابسامانیها است. هر چه ذهنی فکر کنیم و واقعیات زندگی را نادیده بگیریم، این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که انسان در این زندگی در قالبی جای دارد مادی، و با اشیایی سر و کار دارد و در جو و محیطی زندگی می کند که به وسایل و ابزار مادی نیازمند است. غذا، لباس، [صفحه ۶۷]

علل و عوامل فقر

ظلم

امام رضا «علیه‌السلام ...»: اذا أکل الانسان مال الیتیم ظلما ... فکأنه قد قتله و صیره الی الفقر و الفاقة: [... ۴۰]. آنگاه که انسان مال یتیم را به ستم بخورد ... بی‌تردید چون این است که او را کشته، و او را دست به گریبان تهیدستی و بینوایی کرده است ... فقر، در بسیاری از موارد معلول ظلم اجتماعی است. و ظلم به صورت عام، در بیشتر موارد اقتصادی است، و در روابط مالی و نظام تولید و توزیع و مصرف صورت می گیرد و در اکثریت مردم موجب محرومیت از دستیابی به کالاها [صفحه ۶۸] و مواد لازم زندگی می گردد؛ و به صورت خاص از طریق غصب، سرقت، گرانفروشی، احتکار، کم‌فروشی، استثمار و کم بها دادن به کار و کالای دیگران، و استئثار و ویژه ساختن اموال عمومی (خاصه‌خواهی)، رباخواری و دیگر راههای باطل و ظالمانه‌ی اقتصادی جریان می‌یابد. در قرآن کریم، از ظلم فراوان سخن رفته، و کمبودها و گرفتاریها و نابسامانیهای زندگی انسان را به ظلم آدمیان به یکدیگر نسبت داده است. و قلم تکوین را از نوشتن سطری علیه انسان و معاش و معاد او، منزه و پاک شناخته است. ان الله لا یظلم الناس شیئا، ولکن الناس انفسهم یظلمون: [۴۱]. بی‌تردید خداوند بر مردمان هیچ ستمی نمی کند؛ و این خود مردمند که بر خود ستم روا می‌دارند. امام صادق «علیه‌السلام ...»: و ان الناس ما افتقروا و لا احتاجوا و لا جاعوا و لا عروا الا بذنوب الأغنیاء: [... ۴۲]. آنچه بر سر ناداران، نیازمندان، گرسنگان و برهنگان می‌آید، همه و همه، در اثر جنایت اغنیا و توانگران است». [... صفحه ۶۹]

مدیریت غیر متخصص (ناواردان، کم‌فهمان)

امام رضا «علیه‌السلام ...»: البرائة ممن نفی الاخیار ... و آوی الطرداء للعناء ... و استعمل السفهاء: [... ۴۳]. جزء اسلام خالص است بیزار بودن از کسانی که نیکان را تبعید کردند و آنان را که پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» رانده و لعنت کرده بود در مرکز اسلامی پناه دادند ... و کم‌خردان (و بی‌تشخیصان) را به کارها گماردند. این سخن، بخشی از نامه‌ای است که امام رضا علیه‌السلام به مأمون نوشتند، درباره‌ی تبیین اسلام خالص و کلیات دین. [صفحه ۷۰] در این نامه که به درخواست مأمون نگاشته شده، کلیات اصول و فروع دین بیان شده است. از محورهای اصلی که در این نامه بر آن تکیه شده، که جزء اسلام ناب و دین خالص است، چند

برائت (بیزاری جویی، طرد و جبهه گیری) و چند ولایت (پذیرفتن و اطاعت و همکاری) است. برائت از گروههایی از جمله برائت از کسانی که نیکان را از مراکز کشورهای اسلامی دور ساختند، و طرد شدگان دور از خدا را در کادر حاکمیت جای دادند، و اموال را میان اغنیا به گردش گذاشتند، و سفیهان و نادانان (و بی‌تشخیصان) را در پستهای مملکت به کار گماردند و ... امام! در این فراز بلند، محورهای اصولی در مسائل اجتماعی را مطرح می کند که رعایت آنها کار مردم و جامعه را سامان می‌بخشد و حاکمیت را استوار می‌سازد؛ و نادیده گرفتن آنها، تزلزل، نابسامانی و سقوط هر امت و حکومتی را موجب می گردد. در اینجا جمله‌ی: «و استعمل السفهاء - کم‌خردان و بی‌تشخیصان» ، مورد گفتگو است که مسئله‌ی مهم ضرورت هوشیاری و بینایی (تخصص و وارد بودن) در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی - اجتماعی را، مطرح کرده است. امام رضا «علیه‌السلام» نابسامانی، بی‌عدالتی، تبعیض، فقر، محرومیت و مشکلات آن دوره از تاریخ اسلام و حاکمیت اسلامی را به عللی نسبت می‌دهد که از آن جمله به کار گماردن جاهلان و ناآگاهان و غیر متخصصان است. چون مدیریت بخشهای مهم جامعه به دست سفیهان سپرده شده بود، موجب عقب ماندگی و بینوایی و فساد اجتماعی گردید. [صفحه ۷۲]

فساد و تباهی اموال

امام رضا «علیه‌السلام ...»: ان الله یبغض القیل و القال، و اضاعة المال، و کثرة السؤال: [۴۴]. بیگمان خداوند قیل و قال (گفتار بی‌فایده) و تباه‌سازی اموال و زیاد درخواست کردن را دشمن دارد. تباه کردن اموال و تضییع آنها که در این روایت آمده است، از وسعت مفهوم و گستردگی ویژه‌ای برخوردار است، و هر نوع تباهی و نابودی و فساد در اموال را شامل می گردد. تباهی و تضییع ممکن است در اثر عللی چند پدید آید، از جمله اسراف کاری و مصرف بیش از اندازه [صفحه ۷۳] باشد؛ یا بی‌اطلاعی و نبود تخصص و مهارت در مدیریت‌های مالی؛ یا عرفان گرایی غلط و بی‌توجهی به مسائل حیات و گرایش به زهدهای صوفیانه؛ یا کوتاهی و سهل‌انگاری در به کارگیری اموال؛ و یا بیکارگی و امثال آن و در هر صورت و به هر علت که مالی تضییع گردد، موجب می‌شود تا سرمایه‌ی زندگی تباه شود و انجام دادن مسئولیتهای خانوادگی و اجتماعی ناممکن گردد؛ حتی سیر و حرکت معنوی انسان نیز دستخوش تزلزل می‌شود، زیرا که سیر و تکامل معنوی در این جهان با ابزار مادی و در شرایط مساعد طبیعی صورت می گیرد، و این ابزار و شرایط با اموال تهیه می‌شود، و حرکت معنوی او را ممکن می‌سازد. این است که در حدیث مشهور نبوی آمده است ...: «فلولا الخبز ما صلینا و لا صمنا: [... ۴۵] اگر نان نباشد نه نماز می‌توانیم خواند نه روزه می‌توانیم گرفت» ... با توجه به کلیت سخن امام، اگر برنامه‌ریزی در امور اقتصادی و مسائل مالی درست و حساب شده نباشد، تضییع مال خواهد بود. اگر در داد و ستدها دقت لازم به کار نرود و غبن و زیانی صورت گیرد، اموال تباه شده است. همچنین، تبادل از راههای دیگری که به نوعی فساد اموال را موجب گردد، محکوم و ممنوع است. [صفحه ۷۴] تضییع مال، شکلهای گوناگونی دارد، و گاه به دست خود انسان صورت می گیرد و گاه به دست دیگران؛ مثلا- کسانی که در مواد و کالاهای مورد نیاز جامعه غش به کار می‌برند و سره و ناسره را مخلوط می کنند، اموال جامعه را تباه ساخته‌اند و همچنین، هر نوع زیان و نیرنگی که در مسائل مالی به کار رود و تباهی اموال افراد و جامعه را سبب شود، از نظر امام رضا علیه‌السلام محکوم است: امام رضا «علیه‌السلام» - به روایت از پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم»: لیس منا من غش مسلما او ضره أو ما کره. از ما نیست هر کسی که در کار مسلمانی غش به کار برد یا به او زیان رساند و یا با او به نیرنگ رفتار کند». [صفحه ۷۵]

حاکمیت معیارهای سرمایه‌داری

امام رضا «علیه‌السلام ...»: لعلة ذهاب المعروف ... و رغبة الناس فی الربح [... ۴۶]. چون نیکوکاری (از میان جامعه) رخت بر

می‌بندد ... و مردم به سودخواری گرایش می‌یابند. در این فصل، سخن از معیارها و اصول فکری و ارزشی سرمایه‌داری و رابطه‌ی آن با فقر است این معیارها بطور نوعی، چیزهایی است که آنها را در فکر و فرهنگ جامعه وارد کرده‌اند، و از علل درونی پیدایش فقر است. عوامل درونی و فکری، انگیزه‌های اصلی برای جهت‌گیریها و عملکردهای اقتصادی - اجتماعی است. از [صفحه ۷۶] اینرو می‌توان حاکمیت معیارها و ارزشهای نظام سرمایه‌داری و مال‌اندوزی را از عوامل اصلی و ساختاریی دانست که ثروتها و اموال را به سود طبقه‌ی سرمایه‌دار به جریان می‌اندازد و فقر و محرومیت را در سطح جامعه می‌گستراند. برخی از این معیارها که از احادیث امام رضا «علیه‌السلام» استفاده می‌شود، از این قرار است: ۱- اصالت دادن به مالکیت انسان. این بینش، زمینه‌ساز آزادی و استقلال در ثروت اندوزی و تکاثرگرایی و نادیده گرفتن تعهد و مسئولیت است، و موجب تحریف مفهومی مال و ملک. در برابر بینش یاد شده، بینش عاریتی و استخلافی است در اموال که از تعالیم رضوی به دست آمد. و در قرآن کریم و دیگر احادیث بدان تصریح شده است، و سیره‌ی موحدین عالم همیشه این بوده و هست. درباره‌ی این موضوع در آغاز کتب سخن گفته شد. این بینش زمینه‌ساز عمل به تعهدها و مسئولیتهای مالی است و دوری از شیوه‌های ظالمانه‌ی سرمایه‌داری در اموال. ۲- بینش غلط در اصل «حرمت مال». اصل حرمت مال از حقیقت و وسعت دایره‌ی خود دور شده و در همه‌ی مصادیق خود به صورت جدی رعایت نمی‌شود. به سخن دیگر، اصل «حرمت مال» که برای تأمین امنیت اقتصادی در جامعه و ایجاد روابط عادلانه اقتصادی است، و هدف آن از میان برداشتن روابط غاصبانه و زورمدارانه‌ی آکل و [صفحه ۷۷] مأکولی اقتصادی و پایمال کردن حقوق محرومان و کارگران و کشاورزان است، به سود طبقه‌ی مسرف و مترف و سرمایه‌دار تفسیر می‌شود (یعنی مصرف پرستان و شادخواران و پر ریخت و پاشان و مالکانی که اموال کلان آنان - بطور نوعی - از راههای نامشروع گرد آمده است)، و هر گونه اعتراض و مخالفت با بیدادگریهای مالی زرپرستان را مانع می‌گردد. این تحریف موضعی در اصل «حرمت مال» ، است که قانون یاد شده را از موضع و مدار اصلی خود خارج می‌سازد و تنها آن را به سود طبقه‌ی خاصی تفسیر می‌کند، و بر عملکرد ظالمانه نظامهای سرمایه‌داری صحه می‌گذارد. ۳- سود و سودپرستی و هدف شدن مال و مال‌اندوزی. این حالت انگیزه‌ی گردآوری ثروت از راههای نامشروع و ظالمانه و پایمال کردن حق و حقوق مردم است. در کلام امام رضا «علیه‌السلام» کشش و میل به طرف سودخواری که در طبقه‌ی رباخوار پیدا می‌شود، محکوم شده است. ۴- آزاد دانستن انسان در مسائل مالی و شیوه‌های تولید و توزیع و مصرف. این بینش که تحریف در مفهوم آزادی و تفسیر غلط آن است، به لیبرالیسم اقتصادی می‌انجامد، که از اصول تفکر سرمایه‌داری غرب است. این موضوع نیز در تعالیم رضوی محکوم شده است؛ چنانکه در «اصل محدودیت» در مسائل مالی روشن شد. [صفحه ۷۸]

مدیریت خائن

امام رضا «علیه‌السلام»: لم یخنک الامین ولکن ائتمنت الخائن: [۴۷]. انسان امین به تو خیانت نکرده است؛ بلکه تو به خائن اعتماد کردی. عقب‌ماندگی و نارسایی در جوامع کم رشد، چنانکه از ناآگاهی و نبود متخصص و مدیریت ماهر ناشی می‌گردد، از مدیریتهای خائن و طرحها و نقشه‌های خائنانه نیز سرچشمه می‌گیرد. این هر دو نوع مدیریت، بویژه در بخشهای اقتصادی، در کشورهای عقب نگهداشته شده و مستضعف، فراوان دیده می‌شود. این کشورها، در اثر [صفحه ۷۹] وابستگی و عدم استقلال سیاسی، زیر نفوذ بیگانه قرار دارند و بیگانگان که هدفی جز استثمار و چپاول کشورهای ضعیف ندارند، با نفوذ در مراکز حساس اقتصادی، مدیران خائن و مزدوری را به کار می‌گمارند، - یا افرادی نفوذی را، اگر چه ظاهر الصلاح، در آن مراکز جای می‌دهند - و از این راه سر رشته‌ی کارها را در دست می‌گیرند، و در برنامه‌ریزیهای اقتصادی جانب سرمایه‌داری‌های کلان و وابسته به خود را در نظر می‌گیرند، و به توده‌های محروم نمی‌اندیشند؛ و در نتیجه توده‌ی مردم را به فقر دچار می‌سازند. برخی از مردم جهان سوم، در پرتو آگاهی و رشد فکری - که از طریق متفکران، نویسندگان و رهبران به دست می‌آید - با سلطه‌ی نظامی و سیاسی خارجی به

مبارزه برمی‌خیزند، و در بسیاری از موارد موفق می‌شوند زنجیرهای اسارت و حاکمیت بیگانه را بگسلند؛ لیکن پس از بیرون راندن بیگانه، دچار دو شیوه از مدیریت می گردند که دست کمی از مدیریتهای وابسته به بیگانه را ندارد: نخست، مدیریتهای جاهلانه و غیر ماهر، که با این‌که دوستانه و خودی است، لیکن جز هرز دادن نیروها و سرمایه‌ها و اقتصاد جامعه، کاری انجام نمی‌دهد. برخی از مدیران نفوذی و خائن که در سیمای دوست در می‌آیند، و سنگ برنامه‌ریزی مردمی و حمایت از محرومان را به سینه می‌زنند، و با شیطنت و شیادی ویژه‌ای - و با= [صفحه ۸۰] دوره‌هایی که دیده‌اند - بخشهای اقتصادی جامعه را به زیان توده‌ها هدایت می کنند و روز بروز بر فقر و وابستگی او مصرف‌زدگی می‌افزایند، و بتدریج راه سلطه‌ی بیگانه را هموار می‌سازند، و نتائج همان پیروزی سیاسی را نیز بر باد می‌دهند. امام رضا «علیه‌السلام» ، در کلام خویش، بر خیانت اشاره می کند، و سر رشته کارها را به خائن سپردن و به خائن اعتماد کردن را خیانت می‌شمارد. از شگردهای خائنهای خادم‌نما، ارائه طرحها و نقشه‌هایی است که در نظرها می‌تواند مفید و سازنده جلوه کند و در ظاهر صلاح باشد. به کارگیری این نوع طرحها، حساب شده و با بررسی انجام می گیرد و هر فرد یا گروه اجتماعی به سادگی نمی‌تواند باطن زیانبار این‌گونه طرحها و برنامه‌ها را کشف کند و از عملی شدن آنها مانع گردد. بدین جهت است که در برنامه‌ریزیها، نخستین ضرورت، وجود برنامه‌ریزان و مدیران متعهد، دلسوز، مؤمن و متخصص است، تا از نیتهای شوم مدیران خائن و وابسته پرده بردارند و با منطق و استدلال و محاسبه، زیان‌کار آنان را برای جامعه روشن سازند. از شگردهای دیگر آنان این است که هر طرح و برنامه‌ی مترقی و سازنده‌ای را با نیرنگهای ویژه از مسیر اصولی خود منحرف می کنند، و آن طرح و برنامه را با تندروی و کندروی دچار تحریف معنوی یا موضعی [صفحه ۸۱] می‌سازند؛ یعنی یا مفهوم آن ا دگرگون می کنند و یا موضع و جایگاه آن را تغییر می‌دهند؛ و در نتیجه، آن طرح و برنامه را با شکست روبرو می‌سازند. و شبکه‌های اداری استعماری، بیشترین کارشان متوجه این امور است، که یا طرحهای خائنانه و به ظاهر مصلحانه بدهند و یا از اجرای درست و بموقع هر طرح و برنامه‌ای جلوگیری کنند. برای نمونه دو مثال می‌آوریم: الف - اگر قانون و برنامه‌ای ارائه شود که، جامعه امنیت اقتصادی داشته باشند و احساس کنند که میدان کار، صنعت، تولید و فعالیت‌های اقتصادی باز است و می‌توانند به کارهای سازنده روی آورند و جامعه را از محرومیت و وابستگی و نارسایی نجات دهند، آن دستها وارد عمل می‌شوند و با نقشه‌های خائنانه، مفهوم و موضع عملی شدن قانون را منحرف می کنند، و آن را به سود زالوهای اجتماعی و دزدان اقتصادی تفسیر می‌نمایند، و در عمل، به این قشر، آزادی اقتصادی می‌دهند تا هر چه بیشتر خون مردم را بمکند. ب - اگر طرح و قانونی ارائه گردد، برای اینکه آزادی محتکران، گرانفروشان، رباخواران و زالوهای اقتصادی محدود گردد و آنان مجازات شوند، تا جامعه امنیت اقتصادی بیابد؛ با ایجاد انحراف و در مفهوم و مسیر قانون، آن را از میان می‌برند، و به جای آنکه به سراغ آن کسان بروند، به سراغ تولیدکنندگان و شرکتهای تولیدی [صفحه ۸۲] مفید و سرمایه‌هایی می‌روند که در راه جامعه و خدمت به مردم به کار رفته است، و آنان را از کار باز می‌دارند، و بخشهای اقتصادی مردمی و خیراندیش و متعهد به حقوق جامعه و مصرف‌کنندگان و مقررات دولت را به ورشکستگی می کشانند، و بخشهای قدرتمند و سرمایه‌های کلان اقتصادیی را پابرجا و بی‌رقیب می‌سازند، که جز به چپاول حقوق جامعه و رشد سود و سرمایه‌ی خود به چیزی نمی‌اندیشند و از عمل به هر قانون و مقررات محدود کننده‌ای با هزار نیرنگ و ترفند سرباز می‌زنند. [صفحه ۸۵]

مبارزه با فقر

تأمین نیازمندیها در طبیعت

امام رضا «علیه‌السلام ...»: انا وجدنا کلما احل الله تبارک و تعالی ففیه صلاح العباد و بقائهم و لهم الیه الحاجهٔ التی لا یستغنون عنها

...و وجدنا المحرم من الاشیاء لاـ حاجهٔ للعباد الیه و وجدناه مفسدا داعیا الی الفناء و الهلاک: [... ۴۸]. ما (با بررسی احکام) می‌یابیم که هر چه را خداوند متعال حلال شمرده است مایه‌ی صلاح و بقای مردم است، و مورد نیاز آنان بگونه‌ای که نمی‌توانند از آن دست بردارند ... و چیزهایی را حرام و ممنوع یافتیم که مردمان را به آنها نیازی نیست؛ بلکه آن چیزها فسادآور است و نابود کننده و هلاکت‌بار. [صفحه ۸۶] از مسائل فکری و عقیدتی نادرستی که زمینه‌ی درونی فقر و محرومیت را می‌سازد و رویارویی با آن را غلط و ناممکن جلوه می‌دهد، نسبت دادن فقر است به عوامل طبیعی و کمبود مواد در زمین، [۴۹] و سلب مسئولیت از انسانها و سیستم و نظام اجتماعی. در این نوع اندیشه‌ها، مبارزه با فقر غیرممکن و بیرون از حوزه‌ی اختیار و قدرت انسان معرفی می‌شود. و این اشتباهی بزرگ و بدآموزی زیانباری است که از عوامل فکری و فرهنگی پایداری فقر در جامعه می‌باشد. اکنون با مراجعه به مجموعه آموزشهای رضوی، نیک روشن می گردد که این اندیشه، نادرست و مخالف گفتار امام رضا «علیه‌السلام» است. امام در کلام یاد شده که از فلسفه احکام سخن می گوید، هماهنگی نظام تشریع و نظام تکوین را - در تأمین احتیاجات انسان - بیان کرده، معیار احکام الهی را رفع نیاز انسان و بقای او شمرده است. دین بر اساس حلال و حرام استوار است و حلیت و جواز، بر اصل صلاح و بقا و احتیاج پی نهاده شده است؛ و حرمت بر اصل فساد، فناء، هلاکت و بی‌نیازی آدمی از چیزهای حرام. بنابراین، آنچه برای ادامه‌ی زندگی و بقای انسان لازم است، در طبیعت موجود است و در شرع حلال و جایز شمرده شده است. و آنچه برای انسان زیان دارد، یا موجب نابودی و هلاکت اوست، حرام و ممنوع گشته است. از این کلام بخوبی روشن می‌شود که در نظام تکوین و جهان آفرینش، همه‌ی آنچه مورد نیاز انسان و عامل بقا و پایداری و زمینه‌ی صلاح و هدایت اوست آفریده شده و در دسترس او قرار گرفته است. و اگر موانعی انسانی چون ظلم، خیانت، غصب، سرقت، احتکار، و مصرفهای اسرافی طبقات ثروتمند، و ویژه ساختن کالاها به اشخاص پیش نیاید، طبیعت غنی است و مواد لازم زندگی خلق را تامین کرده است. و این نظر کارشناسان مسائل اقتصادی و زیست محیطی و انسانی است .... «بهتر آن است که دنیایی را به فرزندان خود واگذاریم که امکان برآوردن نیاز همگان به غذا، آموزش، کار مطلوب، سر پناه و بهداشت مناسب در آن گسترش یافته نه این که نقصان گرفته باشد. این کار فقط به شرطی امکان دارد که مردم جوامع مصرفی، شیوه‌ی زندگی خود را دگرگون کنند.» [۵۰]. امام صادق «علیه‌السلام ...»: فانک اذا تأملت العالم بفکرک ... وجدته کالبیت المبنی المعد فیه جمیع ما یحتاج الیه عباده ... و کل شیء [صفحه ۸۸] فیها لشأنه معد، و الانسان کالمملک ذلک البیت. [۵۱]. چه اگر در اندیشه‌ی خود درباره‌ی جهان تأمل کنی و به عقل خود درصدد شناخت آن برآیی، آن را همچون خانه‌ای خواهی دید که ساخته و پرداخته شده و هر چه مورد نیاز بندگان بوده در آن فراهم آمده است؛ و هر چیز رد آن - چنان که باید - آماده شده است. و آدمی همچون مالک این خانه است که همه‌ی آنچه در آن است به اختیار وی قرار گرفته است. و گونه‌های رستنی برای رفع نیازمندی‌های او آماده شده است. و جانوران گوناگون در مصالح و منافع او مصرف می‌شود... [صفحه ۸۹]

مالیاتهای اسلامی (زکات)

امام رضا «علیه‌السلام»: ان علهٔ الزکاهٔ من اجل قوت الفقراء ... کما قال عزوجل: «لنبلونکم فی أموالکم و أنفسکم» ، فی اموالکم اخراج الزکاهٔ ... مع ما فی ذلک من اداء شکر نعم الله عزوجل ... مع ما فیه من الزیادهٔ و الرأفهٔ و الرحمهٔ لاهل الضعف و العطف علی اهل المسکنهٔ، و الحث لهم علی المساواهٔ، و تقویهٔ الفقراء و المعونهٔ لهم علی امر الدین: [... ۵۲]. قانون زکات، برای تأمین (زندگی) بینوایان وضع شد، چنانکه خدای بزرگ فرموده است: «شما را در اموال و جانهاتان امتحان می کنیم.» (امتحان) در اموال پرداخت زکات است ... با دیگر فوایدی که [صفحه ۹۰] در این قانون نهفته است چون افزایش (مال) و احساسمندی و مهربانی نسبت به ناتوانان، و توجه به حال بینوایان، و سوق دادن جامعه به مساوات و برابری، و توانبخشی به فقیران، و یاری رساندن به آنان در انجام

تکالیف دینی ... قوانینی برای تعدیل اقتصادی و معیشتی در جامعه و برطرف کردن احتیاجات لازم وضع شده است، چون خمس، زکات، و ... در اجتماعی که تعادل داشته و از نظام اقتصادی عادلانه و سالمی برخوردار باشد، اکثریت قاطع مردم درآمدی کافی و بسنده خواهند داشت و نیازهای خود را تأمین خواهند کرد. در چنین اجتماعی، درصد اندکی از مردم محروم می‌مانند که محرومیت آنان به جبرهای طبیعی، ناتوانیهای جسمی، و گهگاه ظلمها و حق‌کشیهای فردی و جزئی مربوط می‌شود. اینگونه محرومیتها، با اجرای قوانین یاد شده و تن دادن مردم به آنها برطرف می‌گردد - چنانکه در کلام والای امام رضا «علیه‌السلام» آمده است - که علت وضع قانون زکات، تأمین خوراک بینوایان و کمک به آنان است تا اندازه‌ای که چون دیگران بتوانند به امور دین و دنیای خود برسند. تقویت بنیه‌ی بینوایان و توان‌یابی آنان برای انجام دادن تکالیف دینی، هدف و مرز این قانون است. و تکلیف بر پایه‌ی [صفحه ۹۱] حصول این مقصود ارزشمند استوار است. و تا این مقصود در همه‌ی افراد تهیدست جامعه‌ی تحقق نیافته، تکلیف باقی است. و این چگونگی روشن می‌کند که اگر ظلم و استثمار، در دوران طولانی بر اجتماعی حاکم بود، و فقر و محرومیت همه‌گیر و عمیق گشته بود، باید به هدف اصلی و علت وضع قانون توجه کرد؛ و آن - چنانکه در کلام امام رضا «علیه‌السلام» آمده است - مساوات با محرومان و کمک‌رسانی و توان‌بخشی به آنان است تا قادر به زندگی و عمل به احکام دین باشند. [صفحه ۹۲]

حق معلوم

امام رضا «علیه‌السلام ...»: قلت له: هل علی الرجل فی ماله سوی الزکاة؟ قال: نعم؛ أین ما قال الله: [۵۳] «والذین یصلون ما أمر الله به أن یوصل و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب»: [۵۴]. راوی می‌گوید: به امام گفتم: آیا در مال تکلیفی جز زکات هست؟ امام فرمود: آری، پس این فرموده‌ی خدای درباره‌ی صله‌ی ارحام (مسئولیتهای خانوادگی) و امثال آن کجا رفت: «کسانی که آنچه را خدا به پیوند دادن آن فرمان داده پیوند می‌دهند و از خدای خویش می‌ترسند و از سختی حساب بیم دارند». [صفحه ۹۳] در این حدیث، امام رضا «علیه‌السلام» به روشنی از حقوقی در مال افزون بر زکات، سخن گفته است. سؤال راوی از همین موضوع است که پس از ادای زکات، آیا تکلیف دیگری انسان دارد؟ امام در پاسخ می‌گوید: بلی، پس از پرداختن زکات مسئولیتهای مالی دیگری نیز هست. و به آیه‌ای از قرآن استدلال می‌کنند، که از صله‌ی رحم و پیوندهای خانوادگی سخن گفته است. در آموزشهای رضوی مسئولیتهای مالی اهمیت فراوانی دارد و در ردیف اول مسئولیتها است، و بازخواست و حسابرسی روز رستاخیز نیز در درجه‌ی نخست به آنها بستگی دارد: امام رضا «علیه‌السلام»: عن آبائه «علیه‌السلام» عن علی «علیه‌السلام» ، قال: قال رسول الله «صلی الله علیه و آله و سلم ...»: و اول من یدخل النار امیر متسلط لم یعدل و ذو ثروة من المال لم یعط المال حقه: [... ۵۵]. به نقل از پدرانش از امام علی «علیه‌السلام» ، از پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم ...»: نخستین کسی که داخل دوزخ گردد حاکمی است که دادگر نبوده و ثروتمندی است که حق مال را ادا نکرده است (حقوق مالی را نپرداخته است). مسئولیتهای مالی و کیفر آنها در ردیف مسئولیت [صفحه ۹۴] حکومت و حاکمان قرار گرفته است، و این اهمیت آن و الزامی بودن آن را روشن می‌سازد. در حدیث دیگری، امام رضا «علیه‌السلام» لزوم حقوق مالی بیش از زکات را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند: امام رضا «علیه‌السلام»: عن آبائه، عن امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام: قیل: یا نبی الله! افی المال حق سوی الزکاة؟ قال: نعم، بر الرحم اذا ادبرت، و صلة الجار المسلم؛ فما اقربی من بات شبعان و جاره المسلم جائع: [... ۵۶]. نقل از پدرانش، از امام علی «علیه‌السلام»: به پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» گفتند: آیا در مال تکلیفی جز زکات هست؟ پیامبر فرمود: آری، نیکی کردن (با مال) نسبت به بستگان آنگاه که روبگردانند، و رسیدگی به همسایه‌ی مسلمان؛ به من ایمان نیاورده است کسی که سیر بخوابد و همسایه‌ی مسلمان او گرسنه باشد» ... در قرآن به روشنی از این مسئولیت بزرگ اجتماعی، پرده برمی‌دارد: «و الذین فی أموالهم حق معلوم للسائل و المحروم: [۵۷]. کسانی که سائل و محروم در اموال آنان حقی معلوم دارند». [صفحه ۹۵]

تأمین سطح زندگی

اشاره

امام رضا علیه‌السلام: ان الله تبارک و تعالی، لم یبح اکلا و لا شربا الا ما فیه المنفعهٔ و الصلاح، و لم یحرم الا ما فیه الضرر و التلف و الفساد. فکل نافع مقو. للجسم فیه قوهٔ للبدن فهو حلال [... ۵۸] خدای متعال هیچ خوردن و نوشیدنی را جایز نکرده مگر آنچه در آن سود و صلاحی است؛ و (هیچ چیز را) ممنوع نکرده مگر آنچه در آن زیان و نابودی و تباهی بوده است. پس هر چه سودمند و توان‌بخش جسم باشد و به بدن آدمی نیرو بدهد، حلال است [... صفحه ۹۶] یکی از مسائلی که فقر را پدیده‌ای ضد اسلامی معرفی می‌کند و ضرورت مبارزه با آن را از نظر اسلام روشن می‌سازد، تبیین کمیت و کیفیت سطح زندگی و لزوم تأمین مواد و مایحتاج زندگی همه‌ی مردم است. این موضوع مهم و حیاتی و اسلامی، در احادیث امام رضا «علیه‌السلام» مطرح شده است. امام در طرح مسائل گوناگون حیات و سعادت و رشد زندگی انسان، از سطح زندگی معقول و درستی سخن گفته‌اند که با شکوفایی استعدادهای مادی و معنوی و تکامل فردی و اجتماعی انسان متناسب است. مجموعه‌ی این گفتار، روشن می‌سازد که امام رضا «علیه‌السلام» درباره‌ی سطح زندگی و حد و مرز نیازهای آن چگونه می‌اندیشند، و چه کالاها و مواد و امکاناتی را برای زندگی انسان لازم می‌دانند. از این موضوع به دست می‌آید که فقر و تهیدستی و نبود سطح زندگی لازم، با اندیشه‌های امام به کلی ناسازگار است. اکنون با دستیابی به نهاد اصلی در این اندیشه، به شاخه‌ها و بخشهای گوناگون از آموزشهای رضوی می‌پردازیم، که سطح زندگی را در جهت‌های گوناگون، ترسیم کرده و ریزتر و دقیق‌تر مسائل آن را مطرح ساخته است.

نان و آب

سئل الرضا «علیه‌السلام» عن طعم الخبز و الماء فقال: طعم الماء [صفحه ۹۷] طعم الحیاهٔ، و طعم الخبز طعم العیش: [۵۹]. «از مزه‌ی نان و آب از امام رضا «علیه‌السلام» سؤال شد. امام فرمود: مزه‌ی آب، مزه‌ی زندگی است و مزه‌ی نان مزه‌ی زیستن». در این کلام که نگرشی اصولی و ژرف به مسائل حیات انسانی افکنده است، از مزه‌ی نان و آب سخن رفته و طعم آب، طعم حیات، و طعم نان، طعم زندگی شمرده شده است. اینکه مزه‌ی آب، مزه‌ی زندگی است تردید ندارد، زیرا آب عنصر اصلی تشکیل حیات و شرط ضروری تداوم آن است. بیشترین قسمت بدنه‌ی موجودات، بویژه گیاهان و حیوانات و انسان، آب است. درصد آب در تشکیل بدن انسان، بیشتر از دیگر مواد است. در نظام تولید و اداره‌ی اقتصادی زندگی انسان نیز آب، سهم حیاتی دارد، و براستی مزه‌ی زندگی مزه‌ی آب است، چنانکه در سخن امام رضا «علیه‌السلام» آمده بود. مادر بسیاری از صنایع، تولیدات و فراورده‌های کشاورزی است. و کشاورزی بدون آب ممکن نیست. محرومیت طبقه‌ی زحمتکش کشاورز بیشتر به محرومیت از آب بستگی دارد؛ بویژه در مناطقی که زمین زیاد است و آب کم، چون [صفحه ۹۸] قاره‌ی آسیا و آفریقا. به طور کلی، و در همه جا، زندگی و حیات کشاورز و کشاورزی به آب بستگی دارد. در صنایع دیگر نیز آب ضروری است. «مزه‌ی نان، مزه‌ی زندگی» ، نیز اصلی تردیدناپذیر و قانونی بی‌استثنا است؛ زیرا انسان بدون غذا نمی‌تواند زندگی کند، و نان برای او ماده‌ی غذاها است. در قرآن کریم، این دو شرط اصلی زندگی مطرح گشته است ...: و جعلنا من الماء کل شیء حی: [... ۶۰]. و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم ... و ما جعلناهم جسدا لا یأکلون الطعام: [... ۶۱]. ما پیامبران را کالبدی نساختیم که غذا نخورند...

گوشت

امام رضا «علیه‌السلام»: عن علی بن ابی‌طالب «علیه‌السلام»: علیکم باللحم فانه ینبت اللحم؛و من ترک اللحم اربعین یوما ساء خلقه:

[۶۲]. لازم است گوشت بخورید، که آن (بر اندام شما) گوشت می‌رویاند. آن کس که چهل روز گوشت [صفحه ۹۹] نخورد، اخلاقش نکوهیده می‌گردد. در تغذیه، گوشت ضروری است، بسیاری از نیازها و مواد بدن از گوشت تأمین می‌شود، و توان و نیروی آدمی از پروتئین حیوانی به دست می‌آید. در فراز نخست حدیث، به این ضرورت اشاره شده است که ماهیچه‌ها و عضلات و رگ و پیوندهای بدن که کارآیی استخوان را تضمین می‌کند و اسکلت بدن را چون پوششی نیرومند می‌پوشاند، از خوردن گوشت رشد می‌کند و تغذیه می‌شود. در فراز دوم، رابطه‌ی مادیت و معنویت و اخلاق و اقتصاد و تغذیه و حالات روانی انسان با تعبیری بسیار گویا مطرح گشته است: هر کسی چهل روز گوشت نخورد، اخلاق او بد می‌شود. این بدی اخلاقی و زشت‌خویی، از ترک خوردن گوشت پدید می‌آید. شاید علت عمده‌ی این موضوع این باشد که نخوردن گوشت موجب ضعف بدن و سیستم اعصاب است، و این بر ناتوانی روحی و ضعف اراده‌ی انسان تأثیر عمده می‌گذارد و از تسلط انسان بر خود می‌کاهد، و آرامش لازم در برابر حوادث زندگی که از نیرومندی اعصاب و سلامت مزاج نشأت می‌گیرد، از دست می‌رود، و انسان به فردی ضعیف، ناآرام، پرخاشجو و بی‌تحمل تبدیل می‌شود. و این ریشه‌ی همه‌ی بدرفتاریها و کژخلقیها در روابط اجتماعی دو خانوادگی است. [صفحه ۱۰۰] احادیثی نیز در نکوهش گوشت‌خواری رسیده است. از جمع این دو دسته احادیث و مقایسه‌ی آنها روشن می‌شود که مداومت بر گوشت‌خواری زیان می‌رساند، اما ترک آن نیز موجب ضعف و ناتوانی است. پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم»: من اکل اللحم اربعین صباحا قسا قلبه: [۶۳]. هر کس چهل روز (پیاپی) گوشت بخورد، به سنگدلی دچار گردد.

لباس

امام رضا «علیه‌السلام»: بزنطی: قال أبی ما تقول فی اللباس الحسن ...؟ فقال لی: ألبس و تجمل: [... ۶۴]. بزنطی (راوی معروف) می‌گوید: پدرم گفت: «در پوشیدن لباسهای زیبای چه می‌گویی ...؟ امام رضا «علیه‌السلام» گفت: بپوش و زیبا بپوش» ... لباس از ضروریات زندگی است. نوسان در درجه هوا، تابش نور خورشید و وزش نسیم‌های گوناگون، ضرورت پوشش تن را آشکار می‌کند؛ صرف‌نظر از اینکه [صفحه ۱۰۱] برخی از پوششها واجب است، و برخی جنبه‌ی اخلاقی نیز دارد. در دستورات اسلامی، پوشش برای زن و برخی پوششها برای مرد، واجب شمرده شده است. از این فراتر، آرایش سیمای ظاهری است در جامعه و برای چشمهای نظاره‌گر که دستوری اخلاقی است، و لازم است مؤمنان با سیمایی خوشایند و آراسته در جامعه گام گذارند و شکوه ظاهری جامعه را حفظ کنند، چنانکه در روایت امام رضا «علیه‌السلام» لباس زیبا تجویز شده است؛ از جمله برای حفظ همین شکوه ظاهری جامعه‌ی اسلامی. ضرورت مقدار لازم لباس تردیدپذیر نیست، لیکن چگونگی و کیفیت آن با سطح درآمد و زندگی مردم و جامعه رابطه دارد. اگر سطح درآمدها پائین باشد و ضرورتهای زندگی تأمین نگردد، لباس نیز باید در حد لازم مورد استفاده قرار گیرد. و اگر سطح درآمدها بالا باشد، و مسائل اولیه‌ی زندگی حل شده باشد، از لباسهای زیبا و فاخر نیز می‌توان استفاده کرد. در کلام دیگری از امام رضا «علیه‌السلام» که در همین بخش (فصل: رابطه‌ی سطح زندگی و سطح درآمد) مطرح خواهد شد، رابطه‌ی سطح زندگی و سطح درآمد و وضعیت اقتصادی جامعه تبیین خواهد گشت.

نظافت و بهداشت

امام رضا «علیه‌السلام»: ان الله تبارک و تعالی ... یبغض البؤس و التباؤس، [صفحه ۱۰۲] و ان الله عزوجل یبغض من الرجال القاذورة : [...۶۵]. خداوند متعال بیچارگی و بیچاره‌نمایی را دشمن می‌دارد، و خداوند مردم ژولیده و کثیف را دشمن می‌دارد ... بهداشت و نظافت، در نظر امام اهمیتی ویژه دارد، و کثیفی و پلیدی نکوهیده و زشت و موجب خشم الهی است. شستشوی بدن - که رکن بهداشت است - در حد نسبتا بالای آن، در آموزشهای رضوی آمده است.

تزیین و آرایش

امام رضا «علیه‌السلام»: حسن بن جهم: دخلت علی ابی الحسن «علیه‌السلام» و هو مخضب بسواد. فقلت: جعلت فداک قد اختضبت بالسواد؟ قال: ان فی الخضاب اجرا. ان الخضاب و التهیئة مما یزید فی عفة النساء، و لقد ترک النساء العفة لترک ازواجهن التهیئة لهن: [۶۶]. ابن جهم می‌گوید: نزد امام رضا «علیه‌السلام» رفتم و او موهایش را رنگ سیاه زده بود. گفتم: فدایت شوم، با رنگ سیاه موهایت را رنگ کردی؟ فرمود: در رنگ‌آمیزی مو [صفحه ۱۰۳] پاداش است. رنگ کردن موی و آمادگی (با آراستن ظاهر) از چیزهایی است که پاکدامنی زنان را افزون می‌سازد، و زنان پاکدامنی را رها کردند چون همسرانشان خود را برای ایشان آماده نکردند. امام در این کلام، به دو موضوع اشاره کرده‌اند: نخست، پاداش اخروی و اجر الهی زینت و آرایش کردن. دوم ارزش اجتماعی و تکلیفی آن. این هر دو موضوع، مهم است. و موضوع دوم که بیانگر فلسفه‌ی اجتماعی آرایش و آراستگی است، اهمیتی ویژه دارد، چون آرایش مردان و آراستن سیمای ظاهری، خود موجب افزونی پاکدامنی زنان می‌گردد، و احساس لذت‌جویی و زیباپرستی آنان را اشباع می‌کند. درباره‌ی شیوه‌ی زندگی اجتماعی امام رضا «علیه‌السلام» رسیده است که آن امام بزرگ، در خانه لباسهای پاره و درشت و پشمینه می‌پوشید، و بر خویش سخت می‌گرفت و دشوار می‌زیست، و از آسایش و راحت‌طلبی دوری می‌گزید؛ و هنگامی که در جمع ظاهر می‌گشت، و میان مردمان می‌آمد، خود را می‌آراست و زینت می‌کرد. در این رفتار امام، که بازگو کننده‌ی اندیشه و فکر امام است، آرایش و آراستگی ظاهر، نوعی تکلیف اجتماعی برای احترام به دیگران معرفی شده است. در جامعه، چشمها به انسان دوخته می‌شود، و از راه چشمها، دلها و روانها متوجه انسان [صفحه ۱۰۴] می‌گردد. حال، اگر سیمای ظاهری انسان آراسته، تمیز، منظم و موزون بود، مردم از دیدار انسان لذت می‌برند و در دل شادمان می‌گردند، چنانکه در برابر مناظر زیبای طبیعت قرار گرفته باشند. در حالت دیگر که ظاهر انسان ژولیده، و چهره‌اش پژمرده و افسرده و آلوده و چندش‌آور باشد، حال دیگران را می‌گیرد، و آنان را آزار می‌دهد و افسرده می‌سازد. از این‌رو، آرایش ظاهری، حق بزرگ انسانی و اجتماعی است که موجبات خرسندی مردمان را فراهم می‌آورد. و این چگونگی به اغنیا و توانگران اختصاص ندارد، و باید برای هم فراهم باشد، چون همه در اجتماع ظاهر می‌شوند و با یکدیگر روبرو می‌گردند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند.

عطر، بوی خوش

امام رضا «علیه‌السلام»: لا ینبغی للرجل ان یدع الطیب فی کل یوم، فان لم یقدر علیه فیوم و یوم لا، فان لم یقدر ففی کل جمعة و لا یدع ذلک: [۶۷]. شایسته نیست که انسان هر روز عطر نزند. اگر هر روز نتوانست روز در میان، و اگر نتوانست در هر [صفحه ۱۰۵] جمعه. و این (اندازه) را ترک نکند. استفاده از عطر برای انسان در حال عبادت و در خانواده و جامعه امری لازم و تکلیفی است انسانی و اخلاقی، که امام رضا «علیه‌السلام» بر آن تأکید فرموده است. اساس زندگی انسان بر انس، آمیزش و معاشرت نهاده شده است. انس و معاشرت و همگرایی، جاذبه‌ها و دافعه‌هایی دارد: جاذبه‌ها و دافعه‌های مادی و معنوی. زشت‌خویی، آزمندی، کینه‌توزی، بی‌عاطفگی، خشم و ... از دافعه‌های معنوی و اخلاقی است که دیگران را از انسان دور می‌کند و آدمی را تنها می‌گذارد، چنانکه اخلاق نیک، گذشت، خوشرویی، مهرورزی و بردباری، زمینه‌های دوست‌یابی و گرایش دیگران و جلب دوستی است. مسائل و اشیای مادی نیز می‌توانند در تحکیم روابط اجتماعی و جذب و جلب مردم مؤثر باشد. از جاذبه‌های مادی، تمیزی، آراستگی ظاهری، بوی خوش و استفاده از عطریات است. در خانواده نیز استفاده از عطر، به دو جهت اهمیت دارد: نخست: موضوعی است که در کلام پیشین امام بود، و آن فراهم شدن زمینه‌های خرسندی خاطر زنان است و گرایش بیشتر آنان به پاکی و پاکدامنی. و دیگر، احترام به روابط گروهی و احساس و عواطف انسانی است، که افراد [صفحه ۱۰۶] خانواده نیز چون دیگر انسانها

باید از همنشینی با انسان لذت ببرند و شادمان گردند. در عبادات نیز استفاده از بوی های خوش و انواع عطرها تاکید شده است. این نیز عللی دارد و مهمترین آنها این است که انسان در عبادت و در پیشگاه خداوند متعال باید با بهترین حال و آراسته‌ترین سیما باشد، و جامه‌ی تمیز بر تن کند، و بدن او پاکیزه باشد، و عطر و بوی خوش به کار برد. دیگر این‌که، ملائکه و قوای معنوی و مأموران الهی که به نماز و عبادت انسان متوجه‌اند، از بوی های خوش تغذیه می‌کنند. و این موجب جذب و توجه بیشتر آنان می‌گردد، و از جهاتی در عمل مؤثر است. آری کشاورز، کارگر، حتی معدن‌چیانی که در اعماق زمین به استخراج سنگ آهن و ذغال سنگ و... مشغولند و کارگرانی که در کوره پز خانه‌ها و ... به کار دست می‌یازند، همه و همه، چون تشکیل دهنده‌ی جامعه‌ی مؤمنانند، باید بتوانند دارای ظاهر آراسته باشند، و از بوی خوش و دیگر چیزها استفاده کنند، و به این گونه مسائل در زندگی دست یابند، و در خانه و خانواده‌ی خود، اسباب رضایت و خرسندی همسر و فرزندان خود را فراهم آورند.

رابطه‌ی سطح زندگی و سطح درآمد

امام رضا «علیه‌السلام»: ان اهل الضعف من موالی یحبون ان اجلس علی اللبود، [صفحه ۱۰۷] و البس الخشن، و لیس یتحمل الزمان ذلک: [۶۸]. کوته فکران از دوستانم دوست دارند من بر نمد بنشینم و جامه‌ی زبر بر تن کنم؛ لیکن زمان، مقتضی این زندگی نیست. امام در این کلام، به روشنی از فراخور و ظرفیتهای زمانی سخن گفته و میان دوره‌ها و زمانها تفاوت قائل شده است. از آغاز سخن امام چنین به دست می‌آید که برخی انتظار داشتند که ایشان نیز مانند زمان حضرت علی «علیه‌السلام» لباس بپوشد و به سان او زندگی کند. امام در پاسخ آنان به تفاوت دوره‌ها و زمانها و مسئولیتهای هر زمان اشاره می‌کنند.

تأمین سالیانه

امام رضا «علیه‌السلام»: ان الانسان اذا ادخر طعام سنهٔ، خف ظهره و استراح، و کان ابوجعفر «علیه‌السلام» و ابوعبدالله «علیه‌السلام» ، لا یشتریان عقدهٔ حتی یحرزا طعام سنتهما: [۶۹]. آدمی اگر خوراک یک سال را ذخیره کند، خود را سبکبار و آسوده حس می‌کند، و چنین بودند امام باقر «علیه‌السلام» و امام صادق «علیه‌السلام» - هنگامی که امکانی [صفحه ۱۰۸] به هم می‌رسید - باغی نمی‌خریدند (به منظور تأمین آتیه)، مگر پس از اینکه به مقدار خوراک خود کنار می‌گذاشتند. در موضوع سطح زندگی از نظر امام رضا «علیه‌السلام» ، تأمین زندگی سالیانه لازم است، چنانکه در کلام والای امام مطرح گشته است. در این بیان، به فلسفه‌ی این موضوع نیز اشاره شده است که انسان هنگامی که غذای یک سال را ذخیره داشت، آسایش خاطر دارد. و آسایش خاطر، زمینه‌ی اصلی رشد اندیشه و عمل آدمی است. با آسایش خاطر، انسان در هر زمینه می‌تواند به راه و کار خود ادامه دهد و آنچه را در توان دارد شکوفا سازد، و برای جامعه به معنای واقعی مفید باشد و بازده‌ی ارزنده داشته باشد. تأمین اقتصادی از دیگر تأمینهای اجتماعی اگر مهمتر نباشد، کمتر نیست. احتیاج بدترین مشکل است که انسان را تا حد بردگی سوق می‌دهد و از هر گونه شکوفایی و کارایی و مفید بودن برای جامعه بازمی‌دارد. [صفحه ۱۰۹]

حرمت مال و رشد آن

امام رضا «علیه‌السلام»: عن أبیه «علیه‌السلام» عن آبائه «علیه‌السلام» ، قال: قال رسول الله «صلی الله علیه و آله و سلم»: المغبون لا محمود و لا- مأجور: [۷۰]. نقل از پدر خویش، از پدران خویش، از پیامبر اکرم که فرمود: انسان گول خورده (مغبون شده)، نه ارزشی دارد نه پاداشی. از مجموعه‌ی تعالیم رضوی درباره‌ی مال و نظام مالی روشن می‌گردد که مال عامل قوام و پایداری جامعه است، پس باید در رشد و حفظ آن کوشید، و در بهره‌برداری از اموال و امکانات اقتصادی سهل‌انگاری نکرد. در حدیث «علل

الشرایع» ، که امام رضا «علیه‌السلام» از فلسفه‌ی احکام سخن [صفحه ۱۱۰] می گویند، بارها بر این محور تأکید شده است که استفاده از راهها و شیوه‌هایی که موجب فساد و تباهی و رکود در نظام مالی است، یا حد و مرز اموال را نادیده می گیرد و حرمت مال را کنار می گذارد و ... ممنوع است و استفاده از راههای بهره‌برداری درست و مشروع حلال است و مجاز. اموال در دنیا بسیار است و راههای رشد مال فراوان. تمامی راههایی که در اسلام ممنوع و محکوم است، اموال را افزایش و رشد می‌دهد چون ربا، خیانت، ظلم و؛ ... لیکن اینها از نظر اسلام رشد مال نیست. مال به دست آمده از راه ربا، حرمت و ارزش ندارد. اینگونه مال باید مصادره شود و به کسانی که ربا داده‌اند، اگر معلومند باز گردد و گرنه به محرومان داده شود. همچنین در اموال نامشروع دیگر که ضوابط و معیارهای اسلامی در آنها رعایت نشده است. بنابراین، مال در بینش اسلامی، تنها و در چهارچوبی که اسلام خواسته و در مسیر اهداف اسلامی، حرمت و ارزش دارد، و حفظ مال و رشد آن باید در قلمرو اسلامی آن باشد. چنانکه گفتیم، رباخوار مال شخصی خود را حفظ می کند، لیکن مال در سطح جامعه حفظ نمی‌شود؛ بلکه تضییع و تباه می گردد چون مدار و موضوع و چهارچوب اسلامی خود را از دست می‌دهد. پولی که سودآور باشد از نظر اسلام پول نیست، ارزشی ندارد، رشد نیست، بلکه زیان و ضرر است. در اسلام، زیان و ضرر فرد و زیان و ضرر جامعه هر دو مورد نظر است، بلکه دومی مهمتر است. [صفحه ۱۱۳]

کار و عمل

کار در قانون طبیعت و نظام آفرینش

امام رضا «علیه‌السلام ...»: لیس للناس بد من طلب معاشهم، فلا تدع الطلب: [۷۱]. مردم ناگریزند در تلاش زندگی خویش باشند، پس کوشش در راه کسب مال را رها مکن. کار از دو نظر اهمیتی حیاتی دارد: ۱- قانون طبیعت و سنتهای حاکم بر نظام آفرینش. ۲ - قانون شریعت و برنامه‌های آن. کار، در قانون طبیعت نیز از دو جهت اهمیت دارد: أ - از نظر قانونمندیهای عمومی حاکم بر طبیعت. ب - از نظر قوانین طبیعی حاکم بر وجود انسان و [صفحه ۱۱۴] رابطه‌ی آنها با قوای روانی و تنی او. در دو حدیث از امام رضا «علیه‌السلام» ، کار در نظام تکوین و نظام تشریع مطرح شده است. از نظر قانون طبیعت، کار وسیله‌ای است برای فعلیت یافتن آثار پدیده‌های طبیعی و آماده‌سازی آنها برای بهره‌برداری انسان و هر کالایی که مورد استفاده‌ی انسان قرار می گیرد، به کمک کار کارگری آماده‌ی بهره‌برداری قرار گرفته است. کار، در ارتباط با قوانین حاکم بر وجود انسان نیز، ابزاری است برای بودن و شدن آدمی و به فعلیت رسیدن نیروهای جسمی و عقلی وی و رشد و شکوفایی استعدادهای فطری و درونی شخصیت او. قرآن کریم، از کار و عمل، فراوان سخن گفته است و در بعد نظام تکوین و تشریع، ضرورت و اهمیت کار و عمل را تبیین و تشریح کرده است. «لقد خلقنا الانسان فی کبد [۷۲] انسان را در رنج آفریدیم». تنها تن آدمی نیست که به کار نیاز دارد، بلکه رشد روح او و قوای معنوی و فکر و فرهنگ و تربیت او نیز به کار بستگی دارد و بیکاری بر معنویت آدمی نیز آثاری زیانبار می گذارد. طبق [صفحه ۱۱۵] گفته‌ی امام صادق «علیه‌السلام» ، اگر هر چه را انسان نیاز داشت، نظام طبیعت آماده و ساخته و پرداخته در اختیار او می گذاشت و انسان نیاز خود را براحتی و بدون تلاش برطرف می کرد، و پیوسته اوقات خود را به بیکاری و فراغت می گذراند، به فساد و تباهی کشیده می‌شد، و ناگزیر نیرو و انرژی خود را در راههایی صرف می کرد که به نابودی خود و همنوعش می‌انجامید. امام صادق «علیه‌السلام ...»: و جعل الخبز لا ینال الا بالحیلهٔ و الحرکهٔ، لیکون للانسان فی ذلک شغل یکفه، عما یخرجه الیه الفراغ من الاشر و العبث: [... ۷۳]. خداوند نان را چنان قرار داد که جز با نیروی کار و مهارت و تلاش دست نیابد، تا انسان به کاری مشغول گردد و از پیامدهای بیکارگی و گستاخی رفاه‌زدگی و بیهودگی بازماند. امام علی «علیه‌السلام»: من یعمل یزدد قوهٔ، و من یقصر فی العمل یزدد فترهٔ: [۷۴]. آن کس که کار کند توانش فزونی می‌یابد، و آن کس که کم کار کند و بیکاره باشد سستی و

ناتوانی او افزون می گردد. [صفحه ۱۱۶]

کار در قانون دین و نظام تشریع

امام رضا «ع ...»: ان الذی یطلب من فضل یکف به عیاله، أعظم أجرا من المجاهد فی سبیل الله [۷۵]. آن کس که) با کار و عمل (در جستجوی مواهب زندگی، برای تأمین خانواده ی خویش است، پاداشی بزرگتر از مجاهدان راه خدا دارد. امام، در این روایت به ارزش تشریعی کار اشاره می کنند. با توجه به ضرورت تکوینی و طبیعی آن، ضرورت و وجوب تکلیفی و شرعی نیز روشن می گردد. انسان با توجه به معیارهای [صفحه ۱۱۷] دین، مکلف است از قانون آفرینش سرپیچی نکند، تا دچار پیامدهای ویرانگر آن نگردد. نظام تشریع و باید و نبایدهای قانونی اسلام، با نظام تکوین و سنتهای آفرینش هماهنگ است. برای اهمیت حیاتی که کار دارد تعالیم دیگری را نیز در این زمینه می‌آوریم: پیامبر «ص»: از پیامبر اکرم پرسیده شد: کدام کسب انسان پاکیزه تر است؟ فرمود: کار کردن مزد با دست خود. [۷۶]. پیامبر «ص»: هر کس از دسترنج خود بخورد، مثل برق از پل صراط خواهد گذشت. [۷۷]. یکی از مهمترین چیزهایی که شارع اسلام برای ایجاد رغبت به کار ... مطرح کرده است تصریح به این مطلب است که دعای آدم بیکار ... مستجاب نمی‌شود. پیامبر اکرم «ص»: دسته هایی از امت من دعایشان مستجاب نمی‌شود ... و یکی مردی که در خانه اش می‌نشیند و می گوید: پروردگارا روزی مرا برسان. [۷۸]. از اینرو، می‌نگریم که رهبران الهی و پیامبران و [صفحه ۱۱۸] جانشینانشان بدون استثنا کار می کردند، قرآن کریم درباره‌ی برخی از آنان چنین می گوید: و ما تلک بیمینک یا موسی - قال هی عصای أتوکؤا علیها، و أهش بها علی غنمی ولی فیها مآرب أخری: [۷۹]. ای موسی! این چیست در دست تو؟ گفت: این عصای من است که به آن تکیه می کنم، و برای گوسفندانم با آن از درختان برگ فرو می‌ریزم، و نیازهایی دیگر را نیز با آن برطرف می کنم. و علمناه صنعهٔ لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم فهل انتم شاکرون: [۸۰]. صنعت زره‌سازی را برای شما به او (داوود پیامبر) آموختیم، تا در جنگهایتان شما را از آسیب دشمنان حفظ کند، آیا شکرگزار خواهید بود؟ پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم»: به روایت امام باقر «علیه‌السلام» ، خداوند بزرگ، در آن هنگام که آدم را از بهشت به زمین فرود آورد، به او فرمان داد تا با دست خود زراعت کند، و ... از دسترنج خویش بخورد. [۸۱]. الامام علی «علیه‌السلام»: أوحی الله عزوجل الی داود «علیه‌السلام» ، انک نعم العبد، لولا [صفحه ۱۱۹] أنک تأکل من بیت‌المال و لا تعمل بیدک شیئا، قال: فبکی داود «علیه‌السلام» أربعین صباحا، فأوحی الله الی الحدید أن لن لعبدی داود. فالان الله عزوجل له الحدید، فکان یعمل کل یوم درعا فیبیعها بألف درهم. فعمل ثلاث مئهٔ و ستین درعا، فباعها بثلاث مئهٔ و ستین ألفا، و استغنی عن بیت‌المال. [۸۲]. امام علی «علیه‌السلام»: خدای بزرگ به داوود «علیه‌السلام» وحی فرستاد که تو، اگر از بیت‌المال نمی‌خوردی و با دست خود کار می کردی، بنده‌ی خوبی بودی ... داوود چهل روز گریست، آنگاه خدا به آهن وحی (اشاره) کرد، که در دست بنده‌ی من داوود نرم باش. بدینسان، خدای بزرگ آهن را برای او نرم کرد، و او هر روز یک زره می‌بافت و به هزار درهم می‌فروخت. سیصد و شصت زره بافت و آنها را به سیصد و شصت هزار درهم فروخت و از بیت‌المال بی‌نیاز شد. در احادیث آمده است که: «هزینه‌ی زندگی سلیمان بن داوود «علیه‌السلام» ، از فروش زنبیلهایی بود که از پوست (لیف) درخت خرما با دست خود می‌بافت». [۸۳]. [صفحه ۱۲۰] الامام علی «علیه‌السلام»: انه لما کان یفرغ من الجهاد، یتفرغ لتعلیم الناس و القضاء بینهم، فاذا فرغ من ذلک اشتغل فی حائط له، یعمل فیه بیده، و هو مع ذلک ذاکر لله جل جلاله. [۸۴]. امام علی «علیه‌السلام» چون از جهاد فراغت می‌یافت، به کار تعلیم مردمان و داوری کردن در مرافعات ایشان می‌پرداخت؛ و چون از این یک فارغ می‌شد، در باغچه‌ای که داشت با دست خود به کار مشغول می گشت و با وجود این، در حال ذکر بود. الامام علی «علیه‌السلام»: جمعت یوما بالمدینهٔ جوعا شدیدا، فخرجت أطلب العمل فی عوالی المدینهٔ، فاذا أنا بامرأهٔ قد جمعت مدرا فظننتها ترید بله، فأتیتها فقاطعتها علیه: کل ذنوب علی تمرهٔ؛ فمددت ستهٔ عشر ذنوبا حتی مجلت یدای، ثم أتیت الماء فأصبت منه، ثم أتیتها فقلت: بکفی هذا، بین یدیها...

فعدت لی ستهٔ عشرهٔ تمره؛ فأتیت النبی «صلی الله علیه و آله و سلم» فأخبرته فأکل معی منها. [۸۵]. امام علی «علیه‌السلام»: روزی در مدینه سخت گرسنه شدم، برای پیدا کردن کار به محله‌های بالای مدینه رفتم، در آنجا [صفحه ۱۲۱] زنی را دیدم که کلوخهایی را جمع کرده بود و فکر کردم که می‌خواهد با آنها گل درست کند، نزدیک او رفتم و طی کردم که برای هر دلو آب که از چاه بکشم یک دانه‌ی خرما به من بدهد؛ چون شانزده دلو کشیدم، دستم تاول زد. پس به لب آب رفتم و دستم را شستم آنگاه به نزد آن زن رفتم و دستم را جلو بردم، او شانزده دانه خرما به من داد. من نزد پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» آمدم و او را از آنچه گذشته بود آگاه کردم، پیامبر با من از آن خرماها خورد. الامام علی «علیه‌السلام»: فیما رواه الامام الصادق: کان أمیر المؤمنین «علیه‌السلام» یضرب بالمر و یستخرج الأرضین ... و ان امیر المؤمنین «علیه‌السلام» أعتق ألف مملوک من ماله و کد یده. [۸۶]. امام علی «علیه‌السلام» - به روایت امام جعفر صادق «علیه‌السلام»: امیرالمؤمنین «علیه‌السلام» بیل می‌زد و شخم می‌کرد (و آب از زمین بیرون می‌آورد ...) امیرالمؤمنین «علیه‌السلام» از مال و دسترنج خود هزار برده آزاد کرد. الامام علی «علیه‌السلام»: فیما رواه الامام الصادق: کان امیر المؤمنین «علیه‌السلام» [صفحه ۱۲۲] یحتطب و یستقی و یکنس، و کانت فاطمهٔ تطحن و تعجن و تخبز. [۸۷]. امام علی «علیه‌السلام» - به روایت امام صادق «علیه‌السلام»: امیرالمؤمنین «علیه‌السلام» هیزم جمع می‌کرد، و آب از چاه بالا می‌کشید، و به جاروب کردن خانه می‌پرداخت، و فاطمه «سلام الله علیها» گندم با دستاس آرد می‌کرد و آن را خمیر می‌کرد و نان می‌پخت. از امیرالمؤمنین «علیه‌السلام» ، در این خصوص، نمونه‌هایی فراوان نقل شده است. الامام الصادق «علیه‌السلام»: عبدالأعلی مولی آل سام قال: استقبلت أبا عبدالله «علیه‌السلام» فی بعض طرق المدینهٔ، فی یوم صائف شدید الحر، فقلت: جعلت فداک! حالک عند الله عز و جل و قرابتک من رسول الله «صلی الله علیه و آله و سلم» ، و أنت تجهد نفسک (لنفسک - خ ل) فی مثل هذا الیوم؟ فقال: یا عبدالأعلی! خرجت فی طلب الرزق، لأستغنی به عن مثلک. [۸۸]. امام صادق «علیه‌السلام» - عبد الأعلی آل سام می‌گوید: در یکی از کوچه‌های مدینه: در روزی تابستانی و گرم، [صفحه ۱۲۳] با امام صادق «علیه‌السلام» رو به رو شدم و عرض کردم: فدایت شوم! با مقامی که نزد خدای بزرگ، و با خویشاوندیی که با رسول خدا داری، چرا در چنین روزی داغ، این اندازه خود را آزار می‌دهی (و برای خود تلاش می‌کنی)؟ فرمود: ای عبد الاعلی! در طلب روزی از خانه بیرون آمده‌ام، تا با این کار، از امثال تو بی‌نیاز باشم. الامام الصادق «علیه‌السلام»: أبوعمرو الشیبانی قال: رأیت أباعبدالله «علیه‌السلام» و بیده مسحاهٔ، و علیه ازار غلیظ، یعمل فی حائط له، و العرق یتصاب عن ظهره، فقلت، جعلت فداک! أعطنی أکفک. فقال لی: انی أحب أن یتأذی الرجل بحر الشمس فی طلب المعیشهٔ. [۸۹]. امام صادق «علیه‌السلام» - ابوعمرو شیبانی می‌گوید: امام صادق «علیه‌السلام» را دیدم که بیلی در دست و پوششی درشت بر تن داشت، و در باغچه‌ای که متعلق به خود او بود کار می‌کرد، و عرق از او فرو می‌ریخت. عرض کردم: فدایت شوم! بیل را به من بده تا به جای تو کار کنم. فرمود: من چنان دوست دارم که [صفحه ۱۲۴] شخص، در گرمای آزار دهنده‌ی آفتاب، برای به دست آوردن نیازهای زندگی کار کند و رنج ببیند. الامام الصادق «علیه‌السلام»: أبوبصیر قال: سمعت أباعبدالله «علیه‌السلام» یقول: انی لأعمل فی بعض ضیاعی حتی أعرق، و ان لی من یکفینی، لیعلم الله عزوجل أنی أطلب الرزق الحلال. [۹۰]. امام صادق «علیه‌السلام» - ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق «علیه‌السلام» شنیدم که می‌فرمود: من در بعضی از زراعتهایم چندان کار می‌کنم که عرق از من بریزد، با اینکه کسی را دارم که به جای من کار کند، لیکن می‌خواهم که خدای عزوجل بداند که من خود برای طلب روزی حلال کار می‌کنم. الامام الکاظم «علیه‌السلام»: علی بن أبی‌حمزهٔ، عن أبیه قال: رأیت أباالحسن «علیه‌السلام» یعمل فی أرض له، قد استنقعت قدماه فی العرق، فقلت له: جعلت فداک، أین الرجال؟ فقال: یا علی! قد عمل بالید من هو خیر منی فی أرضه و من أبی. فقلت له: و من هو؟ فقال: رسول الله «صلی الله علیه و آله و سلم» و أمیرالمؤمنین و آبائی «علیه‌السلام» [صفحه ۱۲۵] کلهم، کانوا قد عملوا بأیدیهم، و هو من عمل النبیین و المرسلین و الاوصیاء و الصالحین. [۹۱]. امام کاظم «علیه‌السلام» - علی بن ابی‌حمزه، از پدرش نقل می‌کند که گفت: ابوالحسن (امام موسی کاظم) «علیه‌السلام» را دیدم که در زمینی متعلق به خودش کار می‌کرد، و

پاهای او غرق عرق شده بود. عرض کردم: فدایت شوم! کارگرانت کجایند! فرمود: ای علی! کسانی با دست خود در زمین خویش کار کردند که از من و پدرم بهتر بودند. گفتم: کدام کسان؟ فرمود: رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» و امیرالمؤمنین «علیه‌السلام» و همه‌ی پدرانم، که با دست خود کار می‌کردند. با دست خود کار کردن کار پیامبران و رسولان و اوصیا و صالحان است. در این باره از پیامبران و اوصیای ایشان احادیثی فراوان رسیده است. [صفحه ۱۲۹]

تعاون و مددکاری اجتماعی

امام رضا «علیه‌السلام ...»: لان الله - تبارک و تعالی - کلف اهل الصحة القیام بشأن اهل الزمانة و البلوی: [... ۹۲]. خداوند توانمندان را مکلف کرده است تا برای (اداره‌ی) امور بیماران زمینگیر و دیگر مبتلایان قیام کنند ... اصلی را که این تعلیم رضوی ارائه می‌دهد، یعنی مددکاری و حس تعاون اجتماعی، در همه‌ی تعالیم آسمانی آمده است، و همه‌ی رهبران الهی مردمان را بدان فرا خوانده‌اند. بنابراین اصل، هر توانمند نسبت به ناتوان تا مرز توان‌یابی، تکلیف دارد، و کمک‌رسانی و یاری‌دهی به بینوایان و [صفحه ۱۳۰] درماندگان تا مرز بی‌نیازی و خودکفایی آنان پیش می‌رود. تا آن اندازه کمک به ناتوانان خواسته شده است که آنان بتوانند در انجام تکالیف دینی خود توان یابند، یعنی انسانهایی نیرومند، سالم، آراسته و استوار باشند، و خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت، وسایل رفاهی، وسایل آموزش و پرورش و رسیدن به دیگر آگاهیهای لازم و سایر مایحتاج زندگی را در اختیار داشته باشند و بیمار، ضعیف، بیسواد، ناآگاه و ناتوان نباشند، که نتوانند در جامعه عضوی مفید باشند. امام علی «علیه‌السلام» نیز فرموده است ...: «فقراء المسلمین أشرکوهم فی معیشتکم: [... ۹۳]. بینوایان مسلمان را در زندگی شریک خویش سازید» ... مستحب یا واجب؟ در امثال این احادیث و کلمات، چه در تعالیم رضوی یا تعلیم پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» و امامان «علیهم السلام» ، نباید پنداشت که اینهمه تعلیم با این تعبیرهای یاد شده، جنبه‌ی تکلیفی ندارد، و زبان آن، زبان شمارش کمالات اخلاقی است. تردیدی نیست که این احادیث از یک واجب و تکلیف و مسئولیت بزرگ اجتماعی سخن می‌گوید. [صفحه ۱۳۱] بنابراین، توجیه و تأویل و امر و نهی‌ها را استحبابی و اخلاقی تفسیر کردن و جلوه دادن، برخلاف روح فرهنگ و اسلام و قرآن و سیره‌ی انبیا و اولیا و آموزشهای رضوی است؛ آموزشهای فردپرداز و جامعه‌ساز. [صفحه ۱۳۵]

اخوت اسلامی و خاستگاه اقتصادی آن

امام رضا «علیه‌السلام»: ان الله - تبارک و تعالی - خلق المؤمن من نوره ... فالمؤمن اخو المؤمن لأبیه و أمه: [... ۹۴]. خدا مؤمن را از نور خویش آفرید ... پس هر مؤمنی برادر حقیقی مؤمن دیگر است ... در این کلام، امام به موضوعی محوری و زیربنایی در تعاون اجتماعی اشاره می‌کنند، و آن اصل اخوت و برادری در جامعه‌ی توحیدی است. این اصل، اصلی انسانی، اخلاقی، قرآنی، اجتماعی و اقتصادی است. اصل اخوت، نخست [صفحه ۱۳۶] عقیدتی است، و بر محور ایمان به خدای یگانه و اعتقاد به پیامبران «علیه‌السلام» و باور داشت روز رستاخیز دور می‌زند؛ لیکن این ایمان جدا از آثار اجتماعی و اقتصادی خود نمی‌تواند باشد، زیرا اگر ایمان به خدا براستی وجود داشته باشد، به یقین در حیات جمعی و فردی تاثیری آشکار دارد. بنابراین، برادری اسلامی و اخوت قرآنی، اصلی ذهنی و اخلاقی صرف نیست، بلکه لوازم و آثاری واقعی و ملموس دارد، و مدد رسانی به یکدیگر و دستیاری مؤمنان و برادران از جمله‌ی آن لوازم و آثار است. امام رضا «علیه‌السلام» در سخنی، به ریشه‌ی دینی این اصل اشاره می‌کند: امام رضا «علیه‌السلام»: عن عبدالله بن الصلت، عن رجل من اهل بلخ، قال: کنت مع الرضا «علیه‌السلام» فی سفره الی خراسان، فدعا یوما بمائدة له، فجمع علیها موالیه من السودان و غیرهم. فقلت: جعلت فداک! لو عزلت لهؤلاء مائدة؟ فقال: «مه ان الرب - تبارک و تعالی - واحد، و الأم واحدة، و الأب واحد، و الجزاء بالاعمال»: [۹۵]. به روایت عبدالله بن صلت، از یکی از مردم بلخ که گفت: در مسافرت

امام ابوالحسن علی بن موسی [صفحه ۱۳۷] الرضا «علیه‌السلام» به خراسان، با او همراه بودم. روزی همگان را بر سر سفره فراخواند، و غلامان او از سیاه و غیر سیاه آمدند و بر سر سفره نشستند. به او گفتم: فدایت شوم، آیا بهتر نیست که برای اینان سفره‌ای جداگانه گسترده شود؟ گفت: خاموش! خدای همه یکی است، و مادر یکی، و پدر یکی (پس تفاوتی نیست)، و پاداش هر کس بسته به کردار او است.» اخوت و برادری که برخاسته از چنین جهان‌بینی و باوری باشد، در زندگی انسان و روابط افراد با یکدیگر تأثیری ژرف دارد، بدان پایه که همه‌ی کارهای افراد و رفتار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی مردم را به یک راه و جهت یگانه سوق می‌دهد. همچنین، در حدیث دیگری، امام رضا «علیه‌السلام» از پدران خود نقل می‌کند که در نظر پیامبر بزرگوار اسلام، برترین مسلمان کسی است که بهتر و بیشتر از دیگران به مال‌بخشی و کمک‌رسانی اجتماعی اقدام کند و خیر خواه‌ترین افراد نسبت به برادران خود و جامعه‌ی اسلامی باشد: امام رضا «علیه‌السلام»: عن ابائه «علیه‌السلام» عن علی بن الحسین «علیه‌السلام» ، عن الحسن بن علی «علیه‌السلام (...» فی بیان اوصاف النبی «صلی الله علیه و آله و سلم ...» و افضلهم عنده اعمهم نصیحهٔ للمسلمین، و اعظمهم عنده [صفحه ۱۳۸] منزلهٔ احسنهم مؤاساهٔ و موآزرهٔ: [۹۶]. از پدران خود، از امام سجاد «علیه‌السلام» ، از امام حسن «علیه‌السلام...» (در شمارش خصلتهای پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم»: برترین مردم نزد پیامبر کسی بود که خیرخواهی‌اش نسبت به مسلمانان فراگیرتر بود، و بزرگترین مردم نزد او کسی بود که در بخشش مالی و مدد رسانی بهتر رفتار می‌کرد. امام باقر «علیه‌السلام»: المؤمنون فی تبارهم و تراحمهم و تعاطفهم کمثل الجسد، اذا اشتکی تداعی له سائره بالسهر و الحمی: [۹۷]. مؤمنان در نیکی کردن به هم و مهربانی و دلسوزی نسبت به یکدیگر همچون تن واحدند، که اگر جایی از آن دردمند شود باقی جاها، در بیداری و تب آن درد خواهد سوخت. سعدی، شاعر نامدار ایرانی، در شعر معروف خود «بنی‌آدم اعضای یکدیگرند» ... از این حدیث و همانندهای آن الهام گرفته است. [صفحه ۱۴۱]

مسئولیت دولت

نقش حیاتی حکومت

امام رضا «علیه‌السلام»: للمأمون ... اتق الله فی أمهٔ محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» و ما ولاک الله من هذا الامر و خصک به، فانک قد ضیعت امور المسلمین و فوضت ذلک الی غیرک ... و ان المهاجرین و الانصار یظلمون دونک و لا یرقبون فی مؤمن الا و لا ذمهٔ و یاتی علی المظلوم دهر یتعب فیه نفسه و یعجز عن نفقته و لا یجد من یشکوا الیه حاله و لا یصل الیک فاتق الله ... فی امور المسلمین ... أما علمت ... ان والی المسلمین مثل العمود فی وسط الفسطاط من أراده اخذه: [... ۹۸]. امام به مأمون گفت: درباره‌ی امت محمد و حکومتی [صفحه ۱۴۲] که بر ایشان داری از خدا بترس، چه، تو کارهای مسلمانان را ضایع کرده‌ای، و کار را به دست کسانی سپرده‌ای که به غیر حکم خدای عزوجل داوری می‌کنند. و خود در این سرزمین ماندگار شده و خانه‌ی هجرت و محل فرود آمدن وحی را ترک کرده‌ای، و بر مهاجران و انصار با نبودن تو ستم می‌رود، و سوگند و پیمان هیچ مؤمنی را نگاه نمی‌دارند، و روزگار بر مظلومان به سختی می‌گذرد و آنان برای زندگی به هزینه‌ای دسترسی ندارند، و کسی را نمی‌یابند که شکایت نزد او برند ... آیا نمی‌دانی والی مسلمانان همچون تیرک میان چادر است که هر کس بخواهد به آن دسترسی دارد؟ روی سخن امام رضا «علیه‌السلام» در این گفتار با مأمون است. جریان و شأن نزول آن چنین است که روزی مأمون خدمت امام رفت و با خود نامه‌ی بزرگی همراه داشت. در حضور امام نشست و نامه را برای امام خواند. در آن نامه آمده بود که برخی روستاهای کابل به دست لشکریان اسلام فتح شده است. خواندن نامه که پایان یافت، امام به مأمون فرمودند: فتح روستایی از شهرهای شرک و کفر تو را خرسند ساخته است؟ مأمون گفت: آیا این خبر خوشحالی و شادمانی ندارد؟ [صفحه ۱۴۳] پس از این گفتگو، امام جملات یاد شده

را فرمودند، و به او گفتند: تو ... عدالت را در داخل کشور اسلامی برقرار کن و فقر و محرومیت را از بن برکن و به مشکلات مردم رسیدگی کن. این مایه‌ی خرسندی و خشنودی یک حاکم مسلمان است، نه کشورگشایی و فتوحات تازه و افزودن بر قلمرو جغرافیایی کشور اسلام، بدون اینکه محتوای اسلام و جوهر دین که عدالت است، اجرا شده باشد. [صفحه ۱۴۴]

چگونگی رابطه‌ی امام و امت

امام رضا «علیه‌السلام ...»: الْإِمَامُ الْأَنِيسُ الرَّفِيقُ وَ الْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَ الْأَخُ الشَّقِيقُ وَ الْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ وَ مَفْزَعُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّآدِ : [...۹۹]. امام مونسی است غمگسار، و پدری است مهربان، و برادری است مهربان و (در مهربانی مانند) مادری است نیک رفتار نسبت به فرزند خردسال، و او پناه مردمان است به هنگام پیشامدهای ناگوار ... رابطه‌ی امام با امت، نقش بسیار مهمی در شکل دادن به مسائل مالی و حل مشکلات اقتصادی دارد. رابطه اگر [صفحه ۱۴۵] اسلامی باشد - چنانکه امام رضا «علیه‌السلام» در گفتگو با مأمون ترسیم کرده‌اند [۱۰۰] - دولت از مردم فاصله ندارد، و خبر هر نوع انحراف و ظلمی از هر کس، در اسرع وقت به او می‌رسد، و او چاره می‌اندیشد و ظلم را برطرف می‌سازد. از اینرو، در این کتاب که طرح خطوط سیاسی حاکم بر مسائل اقتصادی و سیاست اقتصادی دولت اسلامی منظور است، تبیین شتابزده‌ی چگونگی رابطه‌ی امام و امت سودمند بنظر می‌رسد. از دیدگاه امام رضا «علیه‌السلام» ، حاکم باید چنین باشد که همگان بویژه طبقات محروم، بتوانند - به معنای واقعی - به او دست یابند و خواسته‌ی خود را برای او بازگو کنند. در این حدیث که از آن امام بزرگ آوردیم، آرمانی‌ترین شکل رابطه‌ی دولت و مردم به نمایش گذاشته شده است. امام با بکار بردن واژه‌های «انیس» و «رفیق» نزدیکی و انس با مردم و در دسترس بودن را مطرح ساخته است. مردم دوستی امام با تعبیرهای «پدر مهربان» و «برادر شفیق» ، مشخص شده است، بلکه از این فراتر رفته زمامدار را در جامعه‌ی اسلامی، چون مادر مهربان نسبت به کودک خردسال، معرفی کرده است. [صفحه ۱۴۶]

همسان زیستی با محرومان

امام رضا «علیه‌السلام ...»: قالت: فحملنا الی المأمون فکنا فی داره فی جنهٔ من الأکل و الشرب و الطیب و کثرهٔ الدنانیر، فوهبنی المأمون للرضا «علیه‌السلام» ، فلما صرت فی داره فقدت جمیع ما کنت فیه من النعیم: [... ۱۰۱]. (یکی از کنیزان مأمون گوید): ما را به دربار مأمون روانه کرده بودند. در آنجا در بهشتی از خوردنیها و نوشیدنیها و عطرها و پول فراوان به سر می‌بردیم، تا اینکه مأمون مرا به امام رضا «علیه‌السلام» بخشید. چون به خانه‌ی امام در آمدم، تمام آن نعمتها از دست رفت [... صفحه ۱۴۷] همسان زیستی با مردم نیز از ویژگیهای امام و حاکم در جامعه‌ی اسلامی، دارای آثاری عجیب و سازنده است که برخی از آنها یادآوری می‌شود: ۱ - این روش زندگی به سود طبقات محروم تمام می‌شود، و زمینه‌ای اساسی برای مبارزه با فقر می‌گردد. در این زیست است که نخست حاکم اسلامی، حال بینوایان را لمس می‌کند، گرسنگی، تشنگی، سردی، گرمی، بی‌مسکنی، بی‌درمانی، نبود وسایل رفاهی و دیگر نیازها را با گوشت و پوست خود حس می‌کند. ۲- زمامدار بطور طبیعی و جبری در طبقه‌ی فقیر باقی می‌ماند و پایگاه اجتماعی خود را پس از تکیه بر مقام حاکمیت بالا نمی‌برد، و با گرایشهای رفاه‌طلبانه و تشکیل زندگی تجملی، با طبقات اشراف و مستکبر همسطح و همسان نمی‌گردد، و از این رهگذر با آنان احساس نزدیکی و یگانگی نمی‌کند، و از بینوایان و ژنده‌پوشان دور نمی‌ماند. ۳ - طبقات اشراف و سرمایه‌دار اگر حاکم را با زندگی ساده و فقیرانه دیدند به او نزدیک نمی‌شوند و از او دل می‌کنند. ۴ - در شرایط زیست مردمی و دور از تشریفات است که رابطه‌ی مردمی او برقرار می‌گردد و پایدار می‌ماند، و همگان امکان می‌یابند تا به او دسترسی پیدا کنند و محرومان و مظلومان و بینوایان نیز می‌توانند به او دست [صفحه ۱۴۸] یابند و عرض حال کنند و مشکلاتشان را با او در میان بگذارند. از اینرو است که حاکم اسلامی باید زیستی همسان محرومان داشته باشد. این اصل، از

حدیثی که ا امام رضا «علیه‌السلام» ، درباره‌ی نوع رابطه‌ی امام و امت بازگو کردیم نیز به دست می‌آید. آنجا که امام فرمود: حاکم برادر مهربان و پدر مهربان و یا مادر مهربان است، اینها هم سطحی و همسانی دقیق با مردم را اثبات می‌کند؛ زیرا روشن است که برادر و پدر مهربان - بویژه مادر مهربان - هیچگاه در رفاه و آسایش و تجمل بسر نمی‌برد و برادر یا فرزند خود را در محرومیت و سختی و نابسامانی رها کند؛ بلکه حاکم چون مادر که نسبت به کودک خود ایثار دارد و لقمه را از دهان خود می‌گیرد و در دهان کودک می‌گذارد، نسبت به ملت خود ایثارگری می‌کند. [صفحه ۱۵۱]

پدیده‌ی سرمایه‌داری

مشکل اساسی

امام رضا «علیه‌السلام ...»: جعل الاموال دولهٔ بین الاغنیاء: [... ۱۰۲ (...]. آن خلیفه) اموال را میان اغنیا به گردش گذاشت... ... رغبهٔ الناس فی الربح [... ۱۰۳]. گرایش مردم به سود خواری است ... ... البخس ... و الخیانهٔ: [... ۱۰۴]. (از گناهان کبیره) کاستن (از کار و کالای مردم) است و خیانت به مردم ... ... اهل الاستئثار: [... ۱۰۵]. کسانی که با خودکامگی اموال عمومی را ویژه‌ی خویش می‌سازند [... صفحه ۱۵۲] موضوع سرمایه‌داری در اجتماعات بشری از مشکلات ویرانگر در همه‌ی عصرها و نسلها بوده و هست. این بیماری بزرگ اجتماعی، امروز بسیار عمیق‌تر، گسترده‌تر، کوبنده‌تر و نابودکننده‌تر از گذشته عمل می‌کند، و به ابزار جدید، و قدرت ماشین، و محاسبات کامپیوتری، و کارخانجات تمام اتومات و مزارع مکانیزه مجهز است، و وسائل حمل و نقل هوایی و دریایی غول‌پیکر را در اختیار دارد، و در رابطه‌ها و کسب اطلاعات از تلفن و تلکس استفاده می‌کند. از اینرو، مصیبت‌بارترین مشکل برای بشریت است. ره‌آورد شوم این پدیده، جنگها و ظلمها و نابسامانیهای گسترده و عالم گیری است که بشریت را در کام خود فرو برده است. و جهان را به جهان اول و دوم و سوم تقسیم کرده، و جامعه‌های طبقاتی تشکیل یافته از طبقه‌ی ثروتمند شادخوار و فقیر م حروم و گرسنه پدید آورده است. سرمایه‌داری و پول پرستی از دیدگاه امام رضا «علیه‌السلام» پدیده‌ی شوم و شیطانی است که با تعالیم پیامبران و ایمان به روز بازپسین سازگار نیست؛ با رشد و تکامل انسان و زندگی عادلانه‌ی او در این دنیا نیز سازگاری ندارد. [صفحه ۱۵۳]

ره‌آوردهای شوم سرمایه‌داری

اشاره

سرمایه‌داری در دو بعد از حیات آدمی آثاری ژرف و گسترده دارد: ۱. روابط اقتصادی و بعد زندگی مادی. ۲. روابط انسانی و بعد اخلاقی و معنوی. اکنون به تبیین هر یک از این دو بعد می‌پردازیم:

روابط اقتصادی و بعد زندگی مادی

گردش ثروتهای عمومی در دست طبقه‌ی اشراف

امام رضا «علیه‌السلام ...»: و البرائهٔ ممن نفی الاخیار ... و جعل الاموال دولهٔ بین الأغنیاء: [... ۱۰۶]. [صفحه ۱۵۴] (از ایمان است) بیزاری از کسانی که نیکان را از جامعه‌ی (اسلامی) تبعید کردند ... و اموال (مسلمانان) را میان ثروتمندان به گردش گذاشتند...

رباخواری

امام رضا «علیه‌السلام»: علة تحریم الربا، انما نهی الله عزوجل عنه، لما فیه من فساد الاموال، لان الانسان اذا اشتری الدرهم بالدرهمین، کان ثمن الدرهم درهما، و ثمن الآخر باطلا، فبیع الربا و شرائه وکس علی کل حال علی المشتری و علی البایع، فحرم الله تبارک و تعالی الربا لعلة فساد الاموال کما حظر علی السفیه ان یدفع الیه ماله لما یتخوف علیه من افساده: [... ۱۰۷]. علت تحریم ربا: خداوند عزوجل از ربا نهی کرد چون مایه‌ی تباهی اموال است، زیرا انسان اگر یک درهم را به دو درهم بخرد، بهای درهم درهم است، و بهای درهم دیگر باطل (و بدون حق) است، پس خرید و فروش ربوی، در هر حال برای فروشنده و خریدار زیان و کمبود دارد؛ پس خداوند متعال ربا را ممنوع اعلام کرد، زیرا اموال تباه [صفحه ۱۵۵] می‌گردد. چنانکه منع کرد سفیهان اموال خود را در دست گیرند، چون بیم تباهی آن اموال می‌رود ... سرمایه‌دار با بکارگیری سرمایه بدون کار، و استفاده از بهره‌ی پول، ثروتها می‌اندوزد و گروه زیادی را تهیدست می‌سازد. دقیقا می‌توان محاسبه کرد که در ارتباط با یک سرمایه‌دار رباخوار، چند صد نفر پس از چند سال زمینگیر و ساقط می‌شوند و سرمایه و ثروت ایشان به تدریج به جیب یک نفر سرازیر می‌گردد. در بخش دیگری از کلام امام در علل تحریم ربا، به ظلم نیز تکیه شده است. و این تعلیل و علت‌یابی که امام تبیین می‌کنند، آموزنده‌ی معیارهای کلی و قانونمندی است که در کل جریانهای اقتصادی راهگشا است. تکیه بر ظلم در تعلیل تحریم ربا، همان محور اصلی تعالیم الهی ادیان است، یعنی هر کار، رفتار، قانون، روش و برنامه‌ای که سرانجام در یک محاسبه دقیق به ظلم و ستم اجتماعی بینجامد، باطل و غیر اسلامی است. محور حق و مشروعیت، عدل و عدالت است، و به گفته‌ی آیةالله مرتضی مطهری: «عدالت در سلسله علل احکام است ...نه این است که آنچه دین گفت، عدل است، [صفحه ۱۵۶] بلکه آنچه عدل است دین می‌گوید» [... ۱۰۸].

ظلم، خیانت و استثمار

امام رضا «علیه‌السلام ...»: و اجتناب الکبائر و هی قتل النفس ... و البخس فی المکیال و المیزان ... و الخیانة [... ۱۰۹]. (از اسلام ناب و خالص است) دوری از گناهان کبیره و آدم‌کشی ... و کاستن پیمانه و ترازو و ... و خیانت (در مسائل مالی و) ... است... از شیوه‌های نظام سرمایه‌داری، کم بها دادن به کار و کالای مردم است. مواد خام و کالاهای مورد نیاز و دارای ارزش، با رنج و زحمت از معادن، مزارع، دریاها، کوهها و ... استخراج و تهیه می‌شود، و به سرمایه‌داران و کارخانه‌ها عرضه می‌گردد. سرمایه‌داران با مکانیسم ویژه‌ای بها و ارزش حقیقی آنها را نمی‌پردازند و این خود غصب و تصاحب ثمره‌ی کار دیگران است. و این استثمار و خیانت است. مثال روشن آن این روزها مسأله‌ی نفت است که سرمایه‌داران غرب با کمک سیاستمداران و قدرتهای نظامی و جاسوسی خویش، بهای [صفحه ۱۵۷] نفت جهان سوم را تا حدی پائین آورده‌اند که از نمونه‌های آشکار «بخس» و کم بها دادن است. پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم»: و من ظلم اجیرا أجره احبط الله عمله و حرم علیه ریح الجنة؛ و ریحها یوجد من مسیرة خمسمأة عام: [۱۱۰]. هر کس به کارگری ظلم کند، اعمال او را خداوند تباه می‌سازد، و نسیم بهشت را بر او تحریم می‌کند؛ و حال آنکه نسیم بهشت از مساحت پانصد سال راه به مشام می‌رسد.

انحصارطلبی در اموال (خصوصی کردن اموال عمومی) استئثار

امام رضا «علیه‌السلام ...»: و البراءة من الذین ظلموا آل محمد «صلی الله علیه و آله و سلم ...» و البراءة من الناکثین و القاسطین و المارقین ... و البراءة من اهل الاستئثار [... ۱۱۱]. (از اسلام و ایمان است) بیزاری از کسانی که به آل محمد «علیه‌السلام» ظلم روا داشتند ... و برائت از پیمان‌شکنان و منحرفان و مرتدان ... و بیزاری و برائت از انحصار طلبان در اموال [... صفحه ۱۵۸] «استئثار»

(انحصارطلبی)، از آثار شوم سرمایه‌داری و شیوه‌های نظام اترافی و تکاثری است. «استئثار» در لغت به این معنا است که انسان مال و متاع و یا چیزی را که مورد میل و رغبت و نیاز دیگران است، ویژه‌ی خویش سازد، و با خودکامگی و استبداد دست دیگران را از آن کوتاه کند. این طبقه که اهل استئثارند یعنی انحصار طلب هستند، اموال و منابع ثروت و درآمد جامعه را به خود و نزدیکان خود اختصاص می‌دهند، و ثروتها و منابع عمومی مولد ثروت را ویژه‌ی خویش می‌سازند، یا نزد خود ضبط می‌کنند. از این کلام، روشن می‌گردد که منظور از این طبقه، سرمایه‌داران بانفوذند که در حکومت رخنه می‌کنند، و امور کلیدی جامعه را در دست می‌گیرند، و با کمک دولتها، اموال عمومی و منابع ثروت همگانی و امکانات گوناگون را ویژه‌ی خویش می‌سازند، استخراج معادن را بعهده می‌گیرند، زمینها را با سند و ثبتهای قلابی مالک می‌شوند، آبها را با زور و استبداد تصاحب می‌کنند، مراتع را در اختیار می‌گیرند، بهره‌برداری از دریاها و جنگلها را از آن خود می‌کنند. یا با ایجاد انحصار، کالا و متاعی را در اختیار می‌گیرند، و دست دیگران را [صفحه ۱۵۹]

تأثیر سرمایه‌داری در روابط انسانی و بعد معنوی

اشاره

امام رضا «علیه‌السلام»: لا یجتمع المال الا بخصال خمس: ببخل شدید، و امل طویل، و حرص غالب، و قطیعة الرحم، و ایثار الدنیا علی الاخرة: [۱۱۲]. مال دنیا جمع نشود مگر در سایه‌ی پنج خصلت: ۱ - بخل زیاد. ۲ - آرزوهای دراز. ۳ - آزمندی چیره (بر انسان). ۴ - ترک صله‌ی رحم (و رسیدگی به بستگان تنگدست) ۵ - دنیا دوستی و فراموش کردن آخرت. مشکل سرمایه‌داری - چون دیگر مشکلات - در درجه‌ی نخست، به خود انسان بازمی‌گردد و با مجموعه‌ی نظام فرهنگی، تربیتی و اخلاقی آدمی درآمیخته است، و سپس به جامعه کشیده می‌شود. همین موضوع، معیار تمایز بنیادین میان بینش اسلام و دیگر مکاتب است. اسلام [صفحه ۱۶۰] انسانگرا است، و در هر مشکلی نخست به سراغ انسان و اندیشه‌ها و روحیات او می‌رود، و خاستگاه اصلی کجروی و انحراف را در وجود او می‌جوید، و برای درمان هر بیماری اخلاقی و روحی، یا اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... به ترتیب انسان و تهذیب اخلاقی او می‌پردازد. اکنون دو حدیث دیگر از امام رضا «علیه‌السلام» می‌آوریم، که در عین حال که چگونگی جریان اموال و اقتصاد ناسالم جامعه را تبین کرده است، به فساد اخلاقی و گرایشهای غیرانسانی نیز نظر دارد: امام رضا «علیه‌السلام ...»: و علة تحریم الربا بالنسیئة لعلة ذهاب المعروف ... و رغبة الناس فی الربح و ترکهم ... صنایع المعروف [... ۱۱۳]. علت تحریم ربا در نسیه، برای از دست رفتن نیکوکاری است (در صورت ربا گرفتن ...) و گرایش مردم به سودخواری و رها کردن کارهای نیک»... امام رضا «علیه‌السلام»: (فیما کتبه للمأمون فی بیان «محض الاسلام ...») و البراءة من اهل الاستئثار: [... ۱۱۴]. (از اسلام خالص است) بیزاری از کسانی که اموال [صفحه ۱۶۱] را منحصر به خود می‌کنند ... در پرتو این تعالیم رضوی، به این خویها و خصلتها در اخلاق سرمایه‌داری دست می‌یابیم: أ - گرایش به سودجویی و سودپرستی، در برابر طلب پاداش و قرب الهی. ب - ترک نیکوکاری و انجام دادن کارهای انسانی، در برابر اقدام به کار نیک و خیر و احسان. ج - ترک صله‌ی رحم و بریدن از خویشاوندان و گسستن پیوندهای رحمی و خویشاوندی، در برابر صله‌ی رحم و تحکیم پیوندهای یاد شده و رسیدگی به ارحام و رعایت تعهدهای فامیلی. د - بخل و خست، در برابر انفاق و گشاده‌دستی و سخاوت. ه - حرص و آزمندی مسلط بر انسان، در برابر حرص نزدن و گذشت کردن. و - آرزوهای دور و دراز داشتن، در برابر واقع‌بینی و استفاده‌ی صحیح از فرصت عمر و آزاد شدن از قید و بند خیالات و خواسته‌های واهی. ز - انحصارطلبی و خودپرستی، در برابر نوع‌دوستی و توجه به نیاز دیگران (استئثار در برابر ایثار). ح - ترک تعهد و مسئولیت‌شناسی. [صفحه ۱۶۲] ط - انتخاب دنیا و خواسته‌های دنیوی و فراموش کردن آخرت و آمادگی برای آن. اینها

محورهای اصلیی بود که از تعالیم امام رضا «علیه‌السلام» آموختیم. برخی از این بندها را بیشتر توضیح می‌دهیم:

ترک نیکوکاری و کارهای انسانی

افراد در اثر گرایش به سودپرستی و عشق به ثروت اندوزی، نیکوکاری و نیکی به انسانها را فراموش می‌کنند، و به انسانها و جامعه و حق و عدالت و اخلاق از همین دریچه می‌نگرند، و از کارهایی که به زندگی انسانها سامانی می‌بخشد، روی بر می‌تابند. و بدین‌سان «معروف کارهای نیک و انسانی» ، که تعبیری کلی و گویا از همه‌ی کارهای نیک انسانی و پایه‌ی روابط درست مردمی است، از اجتماع رخت برمی‌بندد، و جامعه به جنگل حیوانات تبدیل می‌شود، و روابط انسانها به صورت روابط جنگلی درمی‌آید. در احادیث مربوط به مال، بر کلمه‌ی «معروف» زیاد تکیه شده است. معروف، مفهوم گسترده‌ای دارد و همه‌ی کارهای باارزش انسانی را در جریان مصرف مال در برمی‌گیرد. از امام صادق «علیه‌السلام» سخنی بسیار عمیق و بلند نقل شده است که ابعاد مختلف سیر مال را در دست مردم ترسیم می‌کند، در این حدیث نیز تعبیر «صنایع المعروف» به کار رفته است، مانند حدیث امام رضا «علیه‌السلام»: [صفحه ۱۶۳] امام صادق «علیه‌السلام»: ان من بقاء المسلمین و بقاء الاسلام، ان تصیر الاموال عند من یعرف فیها الحق، و یصنع المعروف، و ان من فناء الاسلام و فناء المسلمین ان تصیر الأموال فی ایدی من لا یعرف فیها الحق، و لا یصنع فیها المعروف: [۱۱۵]. بی‌تردید پایداری مسلمانان و اسلام در این است که اموال نزد کسانی باشد که حق را در اموال بشناسند و به معروف در آن عمل کنند. و بی‌گمان نابودی اسلام و مسلمانان هنگامی است که سرمایه‌ها در دست کسانی قرار گیرد که نه حق را در آن بشناسند و نه به معروف و نیکی تن دهند.

ترک صله‌ی رحم و قطع ارتباط خانوادگی

در بینش سودپرستانه‌ی اقتصادی ربوی و تکاثری، روابط و پیوندهای خویشی و خانوادگی و زناشویی نیز - اغلب - بر اصل سودآوری استوار است. انسان مال‌اندوز به همه چیز و همه کس از دریچه‌ی بازده اقتصادی می‌نگرد. و این در حقیقت، رابطه با پول و سرمایه است نه رابطه با انسان. از اینرو، می‌بینیم در چنین نظامهایی محبتها و احساسها و عواطف خونی و رحمی نیز چندان انگیزشی ندارد، و [صفحه ۱۶۴] انسانها به قطع رحم و گسستن پیوندهای خانوادگی روی می‌آورند. بسیار دیده شده است که در میان این افراد، بستگانی بسیار نزدیک و در عین حال تهیدست و فقیر وجود دارند، زیرا که در محاسبات اقتصادی، زیان‌آورند، و هزینه می‌خواهند و تولیدکننده و سودآور نیستند. سخن والای امام رضا «علیه‌السلام» ، که در آن گسستن پیوند خانوادگی و ارحامی که ارتباط با جمع ثروت و مال اندوزی مطرح گشته است، روشنگر این اصل است که تعهد فامیلی و استحکام روابط خانوادگی، به پرداخت هزینه و مال مربوط است، و رفع نیازهای مادی ارحام منظور می‌باشد، و بسنده کردن به روابط اخلاقی و معنوی صرف، بدون سرمایه‌گذاری مالی برای ایشان، عملی نیست، و اگر باشد عمل به اصل «صله‌ی رحم» نیست و و اینگونه کارهای بی‌اثر و بی‌محتوا، ارزشی نمی‌تواند داشته باشد. عالمان علم اخلاق، برای گسستن پیوندهای خویشی و ارحامی، دو منشأ ذکر کرده‌اند: ۱ - دشمنی و کینه‌توزی. ۲ - خودداری از مساوات و برابری در امور رفاهی و امکانات مادی.

بخل و خست

بخل و تنگ چشمی از خصلتهای اهریمنی و بیانگر [صفحه ۱۶۵] سستی پایه‌های ایمان و عاریتی بودن آن است. بخیل قدرت حاکم بر کائنات را نمی‌شناسد و مالک و بخشنده‌ی حقیقی را باور ندارد، و امر و نهی آفریدگار و بخشنده‌ی نعمتها را فرمان نمی‌برد، و از

هر تکلیف که نیاز به صرف هزینه و پرداخت مال و کالایی داشته باشد، سرباز می‌زند. و این خصلت اصلی مال‌اندوزان سرمایه‌دار است. اصولا- سرمایه‌های کلان در پرتو همین خویها و سرشتهای زشت گرد می‌آید، و از همین جا اموال در یک نقطه انباشته می‌گردد. در آیات و احادیث، بخل بسیار نکوهش شده است. احادیث در این باره بسی فراوان است. سخن دیگری از امام رضا «علیه‌السلام» را می‌آوریم: امام رضا «علیه‌السلام»: ایاکم و البخل، فانها عاهۀ لا تکون فی حر و لا مؤمن، انها خلاف الایمان: [۱۱۶]. از بخل دوری کنید، زیرا که آن، آفت و بیماری‌ای است که در انسان آزاده و دین‌باور به هم نمی‌رسد، (زیرا که) مخالف ایمان است.

تعهد نشناسی و مسئولیت گریزی

امام رضا «علیه‌السلام» در تحریم رباخواری عللی را [صفحه ۱۶۶] برمی‌شمارد، از جمله اینکه در رباخواری و سود پرستی، فرایض ترک می‌شود، و تعهدهای انسانی - اجتماعی، بویژه در مسائل مالی، نادیده گرفته می‌شود. روشن است که سرمایه‌داران و متمکنان در برابر نیازهای ضروری جامعه و افراد - به نص آیات و احادیث - مسئولند و باید از امکانات و سرمایه‌ی خود برای رفع نیازها استفاده کنند. این تعهد و مسئولیت مهم اجتماعی در سایه‌ی دلبستگی و پول‌دوستی زیر پا گذاشته می‌شود، و سرمایه‌داری که باید برای رفع نیازها بکوشد، نیازها را ابزاری برای استثمار و سودخواری بیشتر قرار می‌دهد، و به تدریج جیب اکثریت را تهی می‌سازد. پشت کردن به این تعهد و مسئولیت اجتماعی از ناهنجارترین خویها و خصلتهای سرمایه‌داری است، و با روح تعالیم اسلام تضاد دارد، بلکه سراپا ضد اسلام و مسلمانی است. این منطق سرمایه‌داری است در برابر مسئولیتهای اقتصادی، که قرآن کریم از آن پرده برمی‌دارد و آن را منطق کافران می‌شمارد. [۱۱۷]. و اذا قیل لهم انفقوا مما رزقکم الله قال الذین کفروا للذین امنوا انطعم من لو یشاء الله اطعمه ان انتم الا [صفحه ۱۶۷] فی ضلال مبین: [۱۱۸]. و چون به آنها گفته شود از آنچه خداوند به شما روزی داده (در راه خدا) انفاق کنید، آنان که (به تکلیفها و احکام الهی) کافرند در پاسخ می‌گویند،: آیا ما خوراک به کسانی بدهیم که اگر خداوند می‌خواست خود به ایشان خوراک می‌داد؟ شما (در این راه و اندیشه‌تان) به حتم و یقین در گمراهیی آشکار غوطه‌ورید. اهمیت مسئولیتهای اجتماعی، بطور عموم، و در مسائل اقتصادی و مالی به خصوص، در احادیث فراوان مطرح گشته است: پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم»: کلکم راع و کلکم مسوؤل عن رعیته: [۱۱۹]. همه‌ی شما شبانید و همه در شبانی مسئول هستید. [صفحه ۱۷۱]

انتظار سامان یابی زندگی

امام رضا «علیه‌السلام»: قال معمر بن خلاد للرضا «علیه‌السلام»: عجل الله تعالی فرجک، فقال «علیه‌السلام»: یا معمر! ذاک فرجکم انتم، فاما انا و الله ما هو الا مزود فیه کف سویق مختوم بخاتم: [۱۲۰]. معمر بن خلاد به امام رضا گفت: خدا زودتر فرج شما را برساند! امام گفت: ای معمر! این فرج، فرج خود شما است، زیرا نصیب من از حاکمیت اسلامی، به خدا سوگند، فقط کیسه‌ی کوچکی است، در آن مشتی آرد جو نبیخته، و سر آن مهر شده و عنوان بالا را نیز از کلام امام رضا «علیه‌السلام» الهام گرفتیم، [صفحه ۱۷۲] از این سخن که به ابن‌خلاد فرمود. ابن‌خلاد! برای فرج در کار آن امام بزرگ (که زندانی نظام فاسد و دنیاپرست مأمونی بود) دعا کرد، و شتاب در کار فرج برای آن امام را از خدای خواست. امام در پاسخ فرمود: فرج در کار من، در حقیقت فرج در کار شما است و فرج در زندگی امت و مردمان: و گرنه برای من که فرجی نیست. امام رضا «علیه‌السلام» ، در سخن دیگری، از این حقیقت بیشتر پرده برمی‌دارد و با صراحت بیشتری مسئولیت بزرگ حاکمان را مطرح می‌کند: امام رضا «علیه‌السلام»: و الله لئن صرت الی هذا الامر لآکلن الخبیث بعد الطیب، و لألبسن الخشن بعد اللین، و لأتعبن بعد الدعۀ: [... ۱۲۱]. اگر زمام حکومت را به دست گیرم

غذای پست و بد خواهم خورد پس از غذای خوب (که قبل از دوره‌ی زمامداری روا بود). و لباس درشت و زبر خواهم پوشید پس از لباسهای نرم (دوران قبل از حکومت) و با سختی و سختکوشی خواهم زیست پس از آسایش ... امام به صراحت اعلام می‌دارد که در صورت تکیه [صفحه ۱۷۳] زدن بر مسند حکومت اسلامی، غذای بد و ناگوار خواهم خورد، و لباس درشت و زبر خواهم پوشید و راحتی و آسایش را کنار خواهم گذاشت. در دورانی که فردی در میان امت به سر می‌بردم، رواست که خوراک و لباسی چون دیگران داشته باشم، و کمی آسایش ببینم، اما اگر زمام جامعه را در دست بگیرم، می‌باید با پایین‌ترین طبقات زندگی کنم، و شب از روز نشناسم و همواره برای آسایش مردمان و سامان یافتن زندگی انسانها بکوشم. [صفحه ۱۷۷]

کرامت انسان و حقوق او

۱ - امام رضا «علیه‌السلام»: زکریا بن آدم: سألت الرضا «علیه‌السلام» عن رجل من اهل الذمه اصابهم جوع فاتی رجل بولد له، فقال: هذا لک اطعمه و هو لک عبد. قال: لا یبتاع حر، فانه لا یصلح لک و لا من اهل الذمة: [۱۲۲]. زکریا گوید: از امام رضا پرسیدم که مردی از اهل ذمه (غیر مسلمان مقیم در کشورهای اسلامی) که به فقر و گرسنگی مبتلا شده بود فرزندش را آورد و گفت: فرزندم مال تو، او را خوراک بده و او برده‌ی تو باشد. امام فرمود: (انسان) آزاده خریده و فروخته نمی‌شود. [صفحه ۱۷۸] این کار شایسته‌ی تو نیست، از ذمیان نیز روا نمی‌باشد. در پایان کار این بررسی، که به بخشهای ویژه‌ای از گفتار امام ابوالحسن بن موسی الرضا «علیه‌السلام» نگریستیم، و در فراخور ذهن محدود صاحب این قلم، از دریای ژرف و بیکرانه‌ی علوم الهی آن امام بزرگ جامی برگرفتیم و در قالب این صفحات ریختیم، به بررسی اصلی دیگر می‌پردازیم، که بیشتر از شیوه‌ی رفتار و کردار امام الهام یافته است. سخن امام، در حدیث مذکور، اوج کرامت انسان و اصالت حقوق او نفی ارزشهای مالی را روشن می‌سازد. امام رضا «علیه‌السلام» اجازه نمی‌دهد آزادی فرزند انسانی اگر چه ذمی و کافر باشد، با امور مادی معاوضه گردد، و آزادی انسان به جرم اینکه گرسنه است خدشه‌دار شود. از نظر امام، انسان آزاد است و احتیاجات اقتصادی نمی‌تواند او را برده‌ی کسی سازد و آزادی خدادادی او را سلب کند، اگر چه مسلمان نباشد. در جامعه‌ی الهی رضوی، ارزش و والایی انسان پایه و اصل قرار دارد، و کلیه‌ی قوانین با توجه به این اصل تدوین می گردد، و روابط مالی و مبادلات اقتصادی - همه - در چهارچوب این بینش انجام می‌شود، و بر محور این اندیشه دور می‌زند که سرمایه، سود، کالا و هر چیز ارزشمندی برای انسان است و باید در خدمت او قرار گیرد. انسان [صفحه ۱۷۹] برای رشد سرمایه و تولید نیست تا در خدمت سرمایه و کالا قرار گیرد، بلکه اینها همه برای انسان و رشد انسان و در خدمت انسان است. البته تحقق این امور در صورتی است که جامعه براستی جامعه‌ی رضوی و اسلامی باشد؛ نه اینکه در ظاهر ادعای پیروی از ولایت کند، و خود را «رضوی» بداند، و در باطن، حاکمیت با معیارها و بینشهای ماده‌پرستی و سرمایه‌داری باشد. یادآوری این نکته نیز لازم است، که در اسلام و اندیشه‌های الهی امام رضا «علیه‌السلام» اصول تربیتی و اخلاقی و مبانی ایمانی و اصول دینی، از اقتصاد و مسائل مالی و سیاسی و ... جدا نیست. اخلاق و اقتصاد با هم رابطه دارند، توحید و عدل با ضوابط اجتماعی و قوانین اقتصادی، پیوندی ناگسستنی دارد، و همه‌ی قوانین بر محور عقیده به خدا دور می‌زند. ۲ - امام رضا «علیه‌السلام»: قال رسول الله «صلی الله علیه و آله و سلم» رأس العقل بعد الایمان بالله، التودد الی الناس و اصطناع الخیر الی کل بر و فاجر: [۱۲۳]. نقل از پیامبر اکرم: اوج خردمندی - پس از ایمان به خدا - دوستی با مردم و نیکوکاری نسبت ه هر (انسان) نیکوکار و بدکاری است. این تعلیم که امام رضا «علیه‌السلام» از پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» نقل فرموده [صفحه ۱۸۰] است، چه آموزش والا و ارزشمندی به بشریت داده است. در این تعلیم، انسان معیار اصلی قرار گرفته است، نه دیگر چیزها. حتی می‌نگریم که تقوا که یکی از اصولی‌ترین معیارهای شرع و دین است نیز ملاک لزوم احسان و نیکی قرار نگرفته است، که اگر انسانهای تقوا پیشه یافت شدند مورد نیکی و بزرگداشت قرار گیرند، و گر نه نه، و باید از همه کس، مهر و محبت و عاطفه و نیکوکاری دریغ گردد و همگان در هر حال و وضعیتی هستند،

رها شوند و مورد لطف و محبت انسانهای دیگر قرار نگیرند، نه، چنین نیست؛ بلکه بنابراین تعالیم، همه‌ی افراد نوع انسان شایسته‌اند که مورد محبت و یاری‌رسانی قرار گیرند، و انسان در این بینش، باید مهرورزی و دوستی خویش را در سراسر جامعه‌ی انسانی بگستراند، و چون خورشید همگان را مشمول گرامی لطف و محبت خویش سازد. این تعالیم است که می‌تواند ائمه طاهرین «علیه‌السلام» - یعنی آموزگاران بزرگ علوم و تعالیم قرآن - را به بشریت تشنه‌ی امروز معرفی کند، و عظمت و والایی فرهنگ اسلام را بر همگان روشن سازد، نه کوتاه فکریها و تعصبهای خام و جاهلانه‌ی گروهی که از جوهر و روح تعالیم معصومان ناآگاهند و بی‌خبر. بنابراین، ضابطه، انسان بودن است، و انسان گر چه زشتکار و فاجر باشد، باید از نیکی کردن و توجه مردم محروم نماند، که این گونه برخورد می‌تواند خود عامل اصلاح کج رفتاران باشد، و ایشان را به جامعه‌ی ایمانی و [صفحه ۱۸۱] سرشتهای نیک آن جلب و جذب کند. انسان هنگامی که از جامعه‌ی مؤمنان نیکی دید، به آنان می‌گراید، و شیوه و روش آنان را راه و رسم زندگی خویش قرار می‌دهد. و این، راه عرضه‌ی گفتار نیک و محاسن کلام ائمه‌ی طاهرین «علیه‌السلام» است. ۳ - امام رضا «علیه‌السلام»: یا علی بن شعیب! من احسن الناس معاشا؟ قلت: انت یا سیدی اعلم به منی. فقال: من حسن معاش غیره فی معاشه. یا علی! من أسوأ الناس معاشا! قلت: انت اعلم قال: من لم یعش غیره فی معاشه: [... ۱۲۴]. ای علی بن شعیب! چه کسی از همه‌ی مردم بهتر زندگی می‌کند! گفتم: ای سرور من، تو داناتری. گفت: آن کس که دیگران در زندگی او شریک باشند. چه کسی از همه بدتر زندگی می‌کند؟ گفتم: تو داناتری! گفت: آن کس که دیگران در زندگی او شریک نباشند». و این قاعده‌ای است ارزشمند در روابط اجتماعی و سیر گردش ثروت، که باید انسانی باشد و هر کس دیگران را در زندگی خویش شریک سازد و برادرانه با آنان رفتار کند و دیگران از هر آنچه او دارد بهره‌مند گردند. [صفحه ۱۸۲] ۴ - امام رضا «علیه‌السلام»: عن ابائه «علیه‌السلام» ، عن علی «علیه‌السلام» قال: قال رسول الله «صلی الله علیه و آله و سلم»: اصطنع الخیر الی من هو أهله و الی من هو غیر اهله، فان لم تصب من هو أهله فأنت أهله: [۱۲۵]. نقل از پدران خود «علیه‌السلام» از امام علی «علیه‌السلام»: پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمود: نیکی کن نسبت به آنان که شایسته‌اند و آنان که شایسته نیستند؛ (زیرا) اگر به (انسان) شایسته‌ای دست نیافتی، تو (خود) شایسته‌ی نیکوکاری (و دست یازیدن به کار خیر) هستی. ۵ - امام رضا «علیه‌السلام»: و فرق بخراسان ماله کله فی یوم عرفة: فقال له الفضل بن سهل: ان هذا المغرم؛ فقال «علیه‌السلام»: بل هو المغنم، لا یعدن مغرما ما ابتغیت به أجرا و کرما: [۱۲۶]. امام در خراسان، همه‌ی اموال خویش را در روز عرفه (میان مردم و نیازمندان) تقسیم کرد. (در این هنگام) فضل بن سهل گفت: این کار زیان است. امام فرمود: بلکه این کار غنیمت و سود است. آنچه را برای دستیابی به پاداش الهی و کرامت انسانی بخشیدی، زیان مشمار». [صفحه ۱۸۳] ۶ - امام رضا «علیه‌السلام»: معمر بن خلاد قال: کان اذا أکل أتی بصحفة فتوضع بقرب مائدته فیعمد الی أطیب الطعام مما یوتی به، فیأخذ من کل شیء شیئا فیضع فی تلک الصحفة ثم یأمر بها للمساکین: [۱۲۷]. معمر بن خلاد می‌گوید: هنگامی که امام رضا «علیه‌السلام» غذا می‌خورد سینی می‌آوردند و نزدیک سفره می‌گذاشتند. او به بهترین غذایی که برایش می‌آوردند می‌نگریست، و از هر غذا مقداری را برمی‌داشت و در آن سینی می‌نهاد، سپس دستور می‌داد آن سینی غذا را برای بینوایان ببرند. امام رضا «علیه‌السلام» نمی‌تواند غذایی را بخورد که بینوایان از آن نخورده باشند. از اینرو، هر گاه می‌خواهد غذا بخورد، از آنچه در سفره‌ی خوراک اوست، برای محرومان و گرسنگان می‌فرستد. ۷ - امام رضا «علیه‌السلام»: یاسر الخادم! قال ... فقال لی بعد ما صلی الظهر: یا [صفحه ۱۸۴] یاسر ما اکل الناس شیئا؟ قلت: یا سیدی من یأکل ههنا مع ما انت فیه. فانتصب «علیه‌السلام» ثم قال: هاتوا المائدة و لم یدع من حشمه أحدا الا اقعده معه علی المائدة، یتفقد واحدا واحدا ... فلما فرغوا من الأکل اغمی علیه: [... ۱۲۸]. یاسر می‌گوید: (در روزی که امام رضا «علیه‌السلام» مسموم شده بود و در همان روز درگذشت) پس از اینکه نماز ظهر را گزارد، به من گفت: ای یاسر، مردم (اهل خانه و کارکنان و خدمتگزاران) چیزی خوردند؟ گفتم: آقای من! که می‌تواند غذا بخورد با اینکه شما در چنین حالی هستید (حال مسمومیت شدید و واپسین لحظات حیات)، (در این هنگام) امام راست نشست، سپس گفت: سفره را

بیاوریـد، و همگان را بر سـر سـفره فراخواند و کسـی را فروگذار نکرد و یکایک را مورد محبت و مهر خویش قرار داد ... هنگامی که همه غذا خوردند، امام بیهوش افتاد ... امام بزرگ انسان، حتی در آن حالت که مسـمومیت تار و پود وجود او را متلاشی ساخته است، در اندیشه‌ی انسان است، و در اندیشه‌ی شکمهای گرسنه. از اینرو، با همه‌ی [صفحه ۱۸۵] ناراحتی و زحمت راست می‌نشیند، همه‌ی یـاران و کـارگزاران را فرامی‌خوانـد، و ایشـان را بر سـر سـفره می‌نشانـد، و یکایـک آنـان را مـورد محبت و مهر خویش قرار می‌دهد، تا همه غذا بخورند و به خاطر حال سخت او گرسنه نمانند. ۸ - امام رضا «علیه‌السلام»: ابراهیم بن العباس: ما رایت ابالحسن الرضا «علیه‌السـلام» جنی احدا بکلمهٔ قط، و لا رأیته قطع علی أحد کلامه حتی یفرغ منه. و ما رد احدا عن حاجهٔ یقدر علیها، و لا مد رجلیه بین یـدی جلیس له قـط، و لا اتکاء بین یـدی جلیس له قط، و لا رأیته شـتم احـدا من موالیه و ممالیکه قط ... و کان اذا خلا و نصب مائـدته اجلس معه علی مائدته ممالیکه و موالیه حتی البواب السائس ... و کان کثیر المعروف و الصدقه فی السـر و اکثر ذلک یکون منه فی اللیـالی المظلمـهٔ: [... ۱۲۹]. ابراهیم بن عبـاس گویـد: هیچگاه ندیـدم که امام ابوالحسن الرضا «علیه‌السـلام» کلمه‌ای به زیـان کسـی بگویـد، و نه سـخن کسـی را پیش از پایـان آن قطع کنـد، و نه حـاجت کسـی را که به ادای آن توان داشت، رد کنـد. هیچگاه نزد کسی که در حضور او نشسته بود، پایش [صفحه ۱۸۶] را دراز نکرد، و بر متکا در برابر افراد تکیه نداد، همه‌ی کارکنان و غلامانش را بر سـر سـفره می‌نشاند، حتی دربانان و مهتران را ... و بسیار احسان می‌کرد، و بسیار صدقه می‌داد، و این کار را بیشتر در شـبهای تاریک انجام می‌داد». ... امام، تا مرز قدرت نیاز نیازمندان را برمی‌آورد، و خواسـته‌ی کسـی را رد نمی‌کرد، و هر گاه بر سر سـفره می‌نشـست، همه‌ی خـدمتگزاران را در کنار خود می‌نشاند، و با آنان غذا می‌خورد. به ناتوانان فراوان رسـیدگی می‌کرد، و پول و غذا و ... در پنهانی به خانه‌های مسـتمندان می‌برد، و بیشتر این کارها را در دل شـبهای تاریک انجام می‌داد؛ و چنین بود امام بزرگوار انسان. در قلمرو تعلیم و تربیت چنین معیارهایی را به بشـریت آموخت، و در میـدان عمل خود پیشـتاز عمل کردن کامل آن تعالیم بود، و جامعه‌ی رضوی، و پیرو مکتب امام رضا «علیه‌السلام» باید در روابط انسانی چنین باشد، و در زندگی اقتصادی چنان، و باید چون امام خود بیندیشد و آنچنان عمل کند.

پاورقی

[۱] معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی «علیه‌السلام»: ۱۰. [۲] و همین است که در قرآن کریم «زکات» ، همواره در کنار «نماز» که عمود دین و رکن اسلام است ذکر شده و عمود دوم دین شمرده شده است. [۳] معانی الاخبار ۱۷۴: ۱، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی (علیه‌السلام): ۲۲. [۴] مستدرک الوسائل ۵۵۲: ۱؛ الحیاهٔ ۶۸: ۳. [۵] مستدرک الوسائل ۵۵۲: ۱. [۶] سوره‌ی حدید (۵۷): ۷. [۷] تفسـیر صافی ۱۳۳ : ۵. [۸] بحـار ۲۲۶: ۷۴ و ۲۲۷؛ الحیـاهٔ ۴۴۵: ۶. [۹] غوالی اللئـالی ۳۱۴: ۱ و ۳۱۵ - چاپخانه‌ی سـید الشهدا (علیه‌السلام)، قم - ایران: ۱۳۰۴ قمری. [۱۰] عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۹۷: ۲. [۱۱] عیون اخبار الرضا (علیه‌السلام) ۹۹: ۲. [۱۲] سوره‌ی هود (۱۱): ۸۷. [۱۳] عیون اخبار الرضا (علیه‌السلام) ۱۲۱: ۲. [۱۴] این موضوع، مشروحتر در فصل «استثمار» - در علل فقر - خواهد آمد. [۱۵] سوره‌ی بقره (۲ (۲۶۷. [۱۶] بحار ۱۰۰: ۱۰۳ مستدرک الوسائل ۴۶۴: ۲؛ الحیاهٔ ۱۴۲: ۴. [۱۷] اقتصاد اسلامی: ۶۲ - ۶۰، دفتر نشـر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲. [۱۸] الاسلام یقود الحیاهٔ: ۵۰ - ۴۹، وزارهٔ الارشاد الاسلامی. [۱۹] اقتصادنا ۳۶۹: ۱، بیروت، دارالتعارف، ترجمه‌ی فارسی ۴۵۱: ۱. [۲۰] سوره‌ی نساء (۴)۲۹. [۲۱] نهج البلاغه: ۱۰۱۸. [۲۲] سفینهٔ البحار ۶۱۵: ۱؛ الحیاهٔ ۲۰۵: ۴. [۲۳] سوره‌ی فرقان (۲۵): ۶۷. [۲۴] مسند الامام الرضا علیه‌السلام ۳۱۴: ۲. [۲۵] الحیاهٔ ۲۱۵: ۴. [۲۶] اینگونه تعالیم در قرنها پیش که موضوع بازیـافت و اسـتفاده از زباله‌ها مطرح نبوده، اعجاز است. [۲۷] تحف العقول: ۳۲۹. [۲۸] کافی ۵۰۳: ۳. [۲۹] سوره‌ی نازعات (۹۷) : ۳۳. [۳۰] سـوره‌ی ق (۵۰): ۱۱. [۳۱] جامع السـعادات ۱۹۵: ۳ و ۱۹۷: چـاپ چهـارم، دارالنعمان، نجف اشـرف. [۳۲] جامع السعادات ۱۹۵: ۳ و ۱۹۷. [۳۳] عیون اخبار الرضا ۳علیه‌السلام» ۱۶۹: ۲؛ مسند الامام رضا «علیه‌السلام» ۹۵: ۱. [۳۴] علل الشرایع ۴۸۰:

۲؛ عیون اخبار الرضا علیه‌السلام ۹۲: ۲ با اندکی اختلاف. [۳۵] بحار ۷: ۷۲. [۳۶] الحیاة ۲۸۱: ۴. [۳۷] نهج البلاغة: ۱۱۶۶. [۳۸] عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۱۳۰: ۲. [۳۹] الحیاة ۲۸۴: ۴. [۴۰] عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۹۲: ۲. [۴۱] سوره‌ی یونس (۱۰): ۴۴. [۴۲] وسائل ۴: ۶. [۴۳] عیون اخبار الرضا علیه‌السلام ۱۲۶: ۲؛ الحیاة ۱۶۰: ۳ و ۳۴۵: ۴. [۴۴] تحف العقول: ۳۲۶، مسند ۲۸۵: ۱؛ الحیاة ۲۰۰: ۶. [۴۵] الحیاة ۲۲۶: ۳. [۴۶] عیون اخبار الرضا علیه‌السلام ۹۴: ۲. [۴۷] تحف العقول: ۳۲۶؛ بحار ۳۳۵: ۷۸. [۴۸] الحیاة ۱۷۵: ۴. [۴۹] البته منظور فقر بطور قاعده است نه استثناء، زیرا که فقر بطور استثناء در همه‌ی جامعه‌ها پیش می‌آید (مثلا- در سیل، زلزله، جنگ و ... که آن هم بر اساس موازین اسلامی باید فورا رفع شود.). [۵۰] چقدر کافیست؟ جامعه‌ی مصرفی و آینده‌ی زمین: ۶. آلن درنینگ، ترجمه‌ی عبدالحسین وهاب‌زاده، جهاد دانشگاهی مشهد. [۵۱] بحار ۶۱: ۳. [۵۲] عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۸۹: ۲؛ الحیاة ۲۳۳: ۶. [۵۳] مجمع البیان ۲۸۹: ۶. [۵۴] سوره‌ی رعد (۱۳): ۲۱. [۵۵] عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۲۸: ۲؛ مسند الامام الرضا «علیه‌السلام» ۲۸۱: ۱. [۵۶] امالی شیخ طوسی ۱۳۴: ۲؛ الحیاة ۲۵۸: ۶. [۵۷] سوره‌ی معارج (۷۰): ۲۴و۲۵. [۵۸] مستدرک الوسایل ۱۰۳: ۳؛ الحیاة ۱۲۶: ۶. [۵۹] الحیاة ۲۲۸: ۳. [۶۰] سوره‌ی انبیا (۲۱): ۳۰. [۶۱] همان، ۸. [۶۲] عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۴۱: ۲؛ مسند الامام الرضا ۳۲۷: ۲. [۶۳] بحار ۲۹۴: ۶۲. [۶۴] کافی ۴۵۱: ۶؛ مسند الامام الرضا «علیه‌السلام» ۳۶۰: ۲ با اختلافی اندک. [۶۵] فقه الرضا علیه‌السلام: ۳۵۴. [۶۶] مکارم الاخلاق: ۸۹؛ مسند ۳۷۰: ۲. [۶۷] عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۲۸۰ - ۲۷۹: ۱؛ کافی ۵۱۰: ۶؛ مسند الامام الرضا «علیه‌السلام» ۳۷۲: ۲. [۶۸] مکارم الاخلاق: ۱۱۱؛ مسند الامام الرضا «علیه‌السلام» ۳۶۱: ۲. [۶۹] الحیاة ۱۱۳: ۶؛ و در کافی ۸۹: ۵، با اندکی اختلاف. [۷۰] وسائل ۳۳۵: ۱۲؛ الحیاة ۲۰۴: ۶. [۷۱] وسائل ۱۸: ۱۲؛ الحیاة ۳۲۰: ۵. [۷۲] سوره‌ی بلد (۹۰): ۴. [۷۳] الحیاة ۲۴۹: ۳. [۷۴] غررالحکم: ۲۶۹. [۷۵] کافی ۸: ۵۵؛ مسند الامام الرضا «ع» ۲۹۹: ۲. [۷۶] مجمع البیان ۳۸۰: ۲. [۷۷] مستدرک الوسائل ۴۱۷: ۲. [۷۸] الحیاة ۴۵۳: ۵. [۷۹] سوره‌ی طه (۲۰): ۱۷ و ۱۸. [۸۰] سوره‌ی انبیاء (۲۱): ۸۰. [۸۱] مستدرک الوسائل ۴۱۷: ۲. [۸۲] کافی ۷۴: ۵. [۸۳] ارشاد القلوب: ۱۵۷. [۸۴] عدة الداعی: ۱۰۱. [۸۵] کشف الغمة ۱۷۵: ۱ و ۱۷۶. [۸۶] کافی ۷۴: ۵. [۸۷] وسائل ۲۴: ۱۲. [۸۸] وسائل ۱۰: ۱۲. [۸۹] کافی ۷۶: ۵. [۹۰] وسائل ۲۳: ۱۲. [۹۱] کافی ۷۶ - ۷۵: ۵. [۹۲] عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۸۹: ۲؛ الحیاة ۲۳۳: ۶. [۹۳] امالی شیخ طوسی ۱۳۶: ۲. [۹۴] محاسن: ۱۳۱؛ مسند الامام الرضا «علیه‌السلام» ۲۵۷: ۱. [۹۵] کافی ۲۳۰: ۸؛ الحیاة ۲۴۹: ۱. [۹۶] عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۳۱۸: ۱. [۹۷] الحیاة ۲۳۱: ۱. [۹۸] عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۱۶۰: ۲ مسند الامام الرضا «علیه‌السلام» ۸۵: ۱. [۹۹] مسند الامام الرضا «علیه‌السلام» ۹۸: ۱؛ کافی ۲۰۰: ۱. [۱۰۰] در روایتی که در آغاز این بخش آورده شد. [۱۰۱] عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۱۷۹: ۲؛ مسند الامام الرضا «علیه‌السلام» ۴۰ - ۳۹: ۱. [۱۰۲] عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۱۲۶: ۲ و ۹۴. [۱۰۳] عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۱۲۶: ۲ و ۹۴. [۱۰۴] همان، ۱۲۷ و ۱۲۶. [۱۰۵] همان، ۱۲۷ و ۱۲۶. [۱۰۶] عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۱۲۶: ۲؛ الحیاة ۱۶۰: ۳. [۱۰۷] عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۹۴ - ۹۳: ۲؛ مسند الامام الرضا «علیه‌السلام» ۳۰۶: ۲. [۱۰۸] بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی: ۱۴. [۱۰۹] عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۱۲۷: ۲. [۱۱۰] وسائل ۲۴۷: ۱۳. [۱۱۱] عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۱۲۶: ۲؛ مسند الامام الرضا «علیه‌السلام» ۵۰۲: ۲. [۱۱۲] عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۲۷۶: ۱؛ خصال ۲۸۳: ۱؛ الحیات ۴۹: ۴. [۱۱۳] علل الشرایع ۴۸۳: ۲؛ عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۹۴: ۲ با اندکی اختلاف. [۱۱۴] عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۱۲۶: ۲. [۱۱۵] وسائل ۵۲۱: ۱۱؛ الحیاة ۹۸: ۳. [۱۱۶] بحار ۳۴۶: ۷۸. [۱۱۷] اینگونه آیات شامل همه‌ی کسانی می‌شود که مصداق آنها باشند، چه کافر چه مسلمان در احادیث جاهایی بدین امر تصریح شده است، و در تفسیر «مجمع البیان» و ... آمده است. [۱۱۸] سوره‌ی یس (۳۶): ۴۷. [۱۱۹] ارشاد القلوب: ۲۵۷. [۱۲۰] تحف العقول: ۳۲۹؛ مسند الامام الرضا «علیه‌السلام» ۲۴۴: ۱. [۱۲۱] مکارم الاخلاق: ۱۳۱؛ مسند الامام الرضا «علیه‌السلام» ۳۶۲: ۲. [۱۲۲] تهذیب ۷۷: ۷؛ مسند الامام الرضا «علیه‌السلام» ۳۰۴: ۲. [۱۲۳] عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۳۵: ۲، مسند الامام الرضا «علیه‌السلام» ۴: ۱. [۱۲۴] مسند الامام الرضا «علیه‌السلام» ۳۱۵: ۲. [۱۲۵] عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۳۵: ۲.

[۱۲۶] بحار ۱۰۰: ۴۹. [۱۲۷] کافی ۵۲: ۴؛ الامام الرضا «علیه‌السلام» ۳۹: ۱. [۱۲۸] عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۲۴۱: ۲. [۱۲۹] عیون اخبار الرضا «علیه‌السلام» ۱۸۴: ۲؛ مسند الامام الرضا «علیه‌السلام» ۴۵: ۱.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه

بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹